

رمز موفقیت این است که یاد بگیریم از نیروهای رنج و لذت به نفع خود استفاده کنیم.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار یکصد و هشتاد و پنجم شنبه ۹ قوس/آذر ۱۳۹۲ ۲۶ محرم ۱۴۳۵ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳

ادامه عملیات هوایی با وجود هشدار



رییس‌جمهور کرزی نیروهای ناتو را به حمله بر خانه مردم ملکی در ولایت هلمند متهم کرده و این حمله را «با شدیدترین الفاظ محکوم» کرده است. او گفته است که امریکایی‌ها نشان دادند هیچ احترامی به زندگی مردم افغانستان قایل نیستند. دفتر ریاست جمهوری افغانستان خبر داده است که در اثر حمله یک هواپیمای بی‌پیلوت نیروهای امریکایی در قریه فقیران ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند، یک کودک دو ساله کشته و دو زن زخمی شده‌اند. نیروهای ائتلاف بین‌المللی تحت فرمان ناتو در افغانستان گفته است که در مورد این حمله تحقیق می‌کنند. نیروهای ایساف در یک اعلامیه گفتند اگر مردم ملکی در نتیجه این حمله تلف شده باشند، عمیقاً ابراز تاسف می‌کنند. این حادثه در زمانی صورت می‌گیرد که تنش میان حامد کرزی و ایالات متحده امریکا بر سر زمان امضای...

ادامه صفحه ۶



روح هوگو چاوز در بدن کرزی

صفحه ۶

برگزاری نشست شورای عالی کنفرانس آجندای ملی

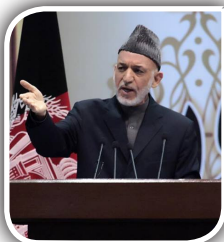
ملی» تحت عنوان (کنفرانس آجندای ملی) Conference of National Agenda (CNA) شناخته می‌شود. در این نشست همچنان، گروه تماس کنفرانس آجندای ملی تعیین شد تا با نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری روی اهمیت و مزایای طرح آجندای ملی صحبت نموده، توجه نامزدان را به نیاز ایجاد دولت وحدت ملی در افغانستان معطوف بدارند. قرار است تا چندی دیگر کنفرانس آجندای ملی با اشتراک نخبگان سیاسی - مدنی افغانستان از سراسر کشور دایر شود و در آن روی ایجاد دولت وحدت ملی بحث و تبادل نظر صورت گیرد. دولت وحدت ملی طرحی است که از بستر آجندای ملی ارایه شده است.



روز، بر اهمیت برگزاری انتخابات و تشکیل دولت وحدت ملی در فرایند انتخابات تاکید صورت گرفت. این شورا فیصله کرد که بعد از این نهاد «آجندای

شماری از اعضای شورای عالی کنفرانس آجندای ملی در منزل احمد ولی مسعود تشکیل جلسه دادند. در این نشست ضمن تاکید مجدد بر تشکیل شورای عالی کنفرانس آجندای ملی و بررسی مسایل سیاسی

در برگ ها



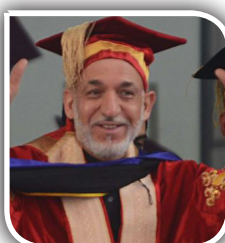
ادامه معاملات بر سر پیمان امنیتی با ایالات متحده



تأثیر فرهنگ یونانی بر تمدن امروز اروپایی



هنر قهرمان شریفی ندارد



حامد کرزی به هند می‌رود

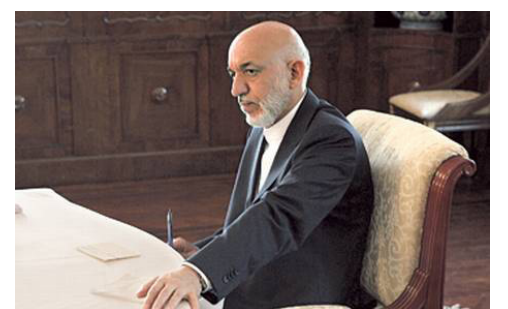
نواز شریف کابل کی شه لټوي؟



دده په خبره، اوس په پاکستان کې د امنیت یوه شورا جوړه شوې، چې د پوځ مشران او نور چارواکي هم په کې گډون لري او ښاغلی نواز شریف به د دې شورا په مشرۍ سره ټول واک په خپله ولکه کې واخلي. هغه زیاتوي، دا ځل دا هیله شته چې پاکستانی لومړی وزیر خپلې ژمنې عملي...

په داسې حال کې چې ټاکل شوې نن د پاکستان لومړی وزیر نواز شریف کابل ته په یو ورځني رسمي سفر راشي، د سولې عالي شورا او یوشمېر شنننډي وايي، چې دغه سفر به ښې پایلې ولري. د سولې د عالي شورا چارواکي وايي، د پاکستان وضعیت اوس دا زمینه برابره کړې چې دغه هېواد له افغانستان سره ښې اړیکې ولري. له بلې خوا سیاسي شنننډي وايي، نواز شریف به ولسمشر کرزی له امریکا سره نه جوړ جاري ته وهڅوي. د سولې د عالي شورا غړی عبدالحمید مبارز ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، د پاکستان لومړی وزیر نواز شریف په داسې مهال کابل ته خپل لومړنی سفر کوي، چې په پاکستان کې دننه پوځ یې تر یوه ځایه اطاعت کړی او د پوځ مشري بدل شوی دی.

کرزی: می‌خواهم در ارگ بمانم



رییس‌جمهور کرزی گفته است که اگر حکومت بعدی اجازه بدهد، او می‌خواهد در ارگ ریاست‌جمهوری بماند. بر بنیاد برخی گزارش‌ها، رییس‌جمهور کرزی برای خود در داخل ارگ ریاست‌جمهوری خانه‌یی ساخته است. گفته می‌شود که ساختمان... ادامه صفحه ۶

منوچهر

ادامه معاملات بر سر پیمان امنیتی با ایالات متحده

حکومتش به جایی نرسید. حال آنکه در تمام این مدت، ایالات متحده و کشورهای منطقه نیز او را حمایت کردند. بنابراین، این شرط نیز محقق شدنی نیست و تنها می‌تواند به عنوان یک دستاویز مطرح شود و بس. تلاشی خانه‌های مردم از سوی نیروهای خارجی نیز سرنوشت هم‌سانی دارد. آقای کرزی اگر خواهان قطع این روند بود، چرا در سال‌های گذشته چنین تقاضایی نداشت؟ با آنکه دیده می‌شود ایالات متحده روی این مسأله خیلی پافشاری ندارد؛ به این معنا که ممکن است طی یک تفاهم، روند تلاشی خانه‌ها از سوی امریکایی‌ها قطع شود و یا هم مکانیسم جدیدی برایش طرح شود. مثلاً این برنامه از سوی نیروهای امنیتی افغانستان و ناتو مشترکاً اجرا گردد که در آن صورت این مسأله حل خواهد شد.

اما آقای کرزی در پی حل این موضوع نیست، بل که با سرسختی تمام دنبال انتفای کامل آن است که این روند ایالات متحده را مجبور می‌سازد در موضع مخالف قرار گیرد.

به هر روی، تا جایی که هویداست، آقای کرزی بیش از همه دنبال امضای این پیمان است و به همین خاطر لویه جرگه برگزار کرد، بیا هو به راه انداخت، سخنرانی‌های متعددی را اجرا نمود تا مسأله پیمان امنیتی را یک برنامه ملی جلوه بدهد و اکنون خود طوری بازی می‌کند که گویا این مردم‌اند برای امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده تصمیم می‌گیرند.

اما همه این بازی‌ها بر آن‌اند تا ایالات متحده مجبور به موافقت با برنامه‌های آقای کرزی گردد که این مسأله محقق نخواهد بود. تحلیل‌ها بر آن‌اند که امریکایی‌ها خیلی دنبال مخالفت با شروط آقای کرزی نیستند. ایالات متحده ممکن است شروط آقای کرزی را بپذیرند، اما به نظر نمی‌رسد نسبت به خواسته‌های پنهان جناب رییس جمهور تمکین کنند. احتمالاً این موضوع را آقای کرزی نیز دریافته است و به همین خاطر سعی دارد که ایالات متحده را از



همین شرایطی است که خود او آن‌ها را عنوان می‌کند. دستاویز آقای کرزی ظاهراً منطقی است، اما پشت این ظاهر منطقی، مسأله دیگری است که باید به آن‌ها اشاره کرد.

بعد از دیدار کرزی با مشاور امنیت ملی امریکا این آوازه بالا گرفته است که آقای کرزی در دیدارش با مشاور امنیتی ایالات متحده، اسم یکی از نامزدان را برده و تأکید کرده که در این انتخابات نباید این نامزد برنده شود. اگر چنین چیزی درست باشد نشان می‌دهد که آقای کرزی خود می‌خواهد پای امریکارا در انجام دست‌درازی در انتخابات افغانستان بکشد. اما با این تفاوت که این مداخله باید به نفع

رییس‌جمهور کرزی در تازه‌ترین سخنرانی رادیویی‌اش، شروطش را بر سر امضای پیمان امنیتی آشکارتر ساخته و گفته است که ایالات متحده باید شرایط افغانستان را بپذیرد. در متن این سخنرانی آمده است که خانه‌های باشندگان افغانستان باید از تعرض و تلاشی امریکایی‌ها در امان باشند. ایالات متحده باید در تأمین صلح و به نتیجه رسیدن گفت‌وگوها با طالبان، همکاری کند و نیز در انتخابات افغانستان مداخله نکند، بلکه برعکس یاری کند تا یک انتخابات شفاف و سالم برگزار گردد. آقای کرزی با اشاره به برگزاری لویه جرگه مشورتی، یادآوری کرده که این شرایط در کمیسیون‌های لویه جرگه مورد بحث قرار گرفته و اکنون ایالات متحده باید در برآورده شدن آن تعهداتی بسپارد.

با آنکه لحن آقای کرزی در این سخنرانی نرم بود و از سخت‌گیری‌های قبلی او در این زمینه چیزی دیده نشد، اما با این‌همه این سخنرانی نشان می‌دهد که آقای کرزی هنوز در پی چانه‌زنی‌هایش مبنی بر حمایت ایالات متحده از نامزد مورد نظرش در انتخابات پیش رو می‌باشد.

به نظر می‌رسد که آقای کرزی عدم تندی لازم در این سخنرانی را در مورد دیگری جبران کرده است. چنان‌که او در پی کشته شدن یک کودک و زخمی شدن دو زن در یک حمله نیروهای هوایی ناتو در هلمند گفته است که: «از سال‌ها بدین سو مردم بی‌گناه ما تحت نام جنگ علیه تروریسم قربانی می‌شوند و خانه‌های شان مصونیت ندارد. تا زمانی که این چنین خودسری‌ها و ظلم نیروهای خارجی بر مردم ما ادامه یابد، موافقت‌نامه امنیتی با امریکا امضا نخواهد شد.»

به هر روی، آن‌چه موضع آقای کرزی را در زمینه امضای پیمان امنیتی تشکیل می‌دهد،

سخن‌ماندگار

اهمیت سفر نواز شریف به افغانستان

قرار است امروز (شنبه) آقای نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان وارد افغانستان شود. البته بعد از پیروزی آقای شریف در انتخابات، حامد کرزی از او دعوت کرده بود که از افغانستان دیدار کند، اما پاکستان با توجه به دیپلماسی غالبی که در برابر دیپلماسی آقای کرزی دارد، این سفر را در تاریخ تعیین‌شده‌اش عملی نکرد و حالا در یک فرصت بسیار مهم، رهسپار افغانستان می‌گردد. اکنون این رهبر و سیاستمدار مدبر پاکستانی، در شرایطی به افغانستان سفر می‌کند که این کشور از سه ضلع به هم پیوسته در شرایط خاصی قرار گرفته است.

به چالش تبدیل شدن امضای سند امنیتی از جانب آقای کرزی و در عین حال بلند رفتن گراف نامنی‌ها در برخی از ولایت‌های شمال کشور در این شب و روز و نیز این‌که افغانستان به طرف برگزاری انتخابات می‌رود، شرایطی است که آقای شریف را علاقه‌مند سفر به افغانستان کرده است. واضح است که امضا نشدن سند امنیتی با امریکا، یکی از امیدهای پاکستان است و این کشور به‌راستی حاضر نیست که امریکا در همسایه‌گی او خرگاه زند و این‌گونه افغانستان را مورد توجه قرار دهد و جایگاه کنونی پاکستان در سیاست خارجی امریکا تنزیل یابد. از این‌رو آقای شریف از موضع‌گیری آقای کرزی در برابر امضای سند امنیتی، قدردانی خواهد کرد و پاکستان را آماده هر نوع کمک به افغانستان در بدل عدم امضای سند با امریکا معرفی خواهد کرد.

هم‌چنان آقای شریف در این سفر روی چه‌گونه‌گی انتخابات آینده افغانستان تأمل خواهد کرد؛ زیرا برای پاکستان بسیار اهمیت دارد که بداند چه کسی در انتخابات پیش روی افغانستان برنده میدان خواهد شد؛ بدیهی‌ست که پاکستان انتظار دارد رییس‌جمهور آینده افغانستان کسی باشد که در کنار منافع این کشور قرار گیرد و پاکستان را به عنوان بازیگر برتر منطقه به حساب آورد.

اهمیت سوم این دیدار، بحث مسایل امنیتی افغانستان و ایجاد صلح در این کشور خواهد بود که نواز شریف بار دیگر بر تعهدات قبلی‌اش برای تأمین امنیت در افغانستان تأکید خواهد کرد؛ اما تأکیدی که هیچ‌گاه جنبه عملی به خود نخواهد گرفت. اهمیت چهارم در این دیدار، موضوع ساخت یک بند برق بر سر رودخانه کنر خواهد بود و نیز برخی مسایل تجارتي و بازرگانی میان دو کشور که اخیراً مشکل‌ساز شده‌اند. چنان‌که از هفته گذشته، ده‌ها کامیون بازرگانی افغانستان در بندر تورخم از جانب پاکستانی‌ها توقیف داده شده است. البته تجربه این دوازده سال نشان داده که سیاستمداران پاکستانی بیشتر بعد از آن به افغانستان سفر کرده‌اند که مشکلات بازرگانان افغان در آن کشور حادثتر گشته و بر واردات کالا به افغانستان موانعی از جانب پاکستان وضع شده؛ اما بلافاصله پس از بازگشت سیاستمداران پاکستان به کشورشان، این کامیون‌ها اجازه ورود به افغانستان یافته‌اند.

از جانب دیگر، نواز شریف در حالی به افغانستان سفر می‌کند که هفته گذشته میزبان کشورهای چین و روسیه در اسلام‌آباد بوده و در این نشست، بیشتر روی موضوع افغانستان صحبت شده است. ممکن است آقای شریف از این نشست نیز حکایت و برآیندی را به آقای کرزی تحویل دهد و نگاه مشترک این سه کشور به افغانستان پس از دوهزار و چهارده را - البته از منظر سیاست پاکستان - ترسیم کند.

آقای کرزی در این شرایط، نگرانی‌هایی دارد و دلواپسی‌هایی که بر سر امضای سند امنیتی به وجود آمده‌اند. او هم در مورد انتخابات افغانستان و رییس‌جمهور آینده صحبت خواهد کرد و بر اجازه یافتن هیأت افغانی برای دیدار با ملابرادر تأکید خواهد نمود. اما چیزی که در این‌جا باعث نگرانی است این است که: آقای کرزی ظاهراً در حال نزاع با امریکا قرار دارد و با توجه به پایان مأموریتش، در یک وضعیت مبهم و خطرناک قرار گرفته که احتمال سر زدن هر اشتباهی را برجسته می‌سازد. نگرانی این است که آقای کرزی با توجه به اهمیتی که برای پاکستان در مناسبات سیاسی و خارجی قابل است، زمینه را برای قبول شرط‌های نواز شریف در افغانستان مساعد کند.

مسلم است که هر نوع امتیاز دادن به پاکستان، زمینه را برای تقویت تروریسم و از دست دادن فرصت‌های موجود فراهم می‌سازد و افغانستان را به فرو رفتن در کام پاکستان نزدیک می‌کند؛ خطری که یک بار افغانستان از آن رهایی یافته است. به هر صورت، پاکستان با دست پُر از سفر برخواهد گشت و افغانستان دستاورد قابل توجهی از این دیدار نخواهد داشت.

بعد از دیدار کرزی با مشاور امنیت ملی امریکا این آوازه بالا گرفته است که آقای

کرزی در دیدارش با مشاور امنیتی ایالات متحده، اسم یکی از نامزدان را برده

و تأکید کرده که در این انتخابات نباید این نامزد برنده شود. اگر چنین چیزی

درست باشد نشان می‌دهد که آقای کرزی خود می‌خواهد پای امریکارا در انجام

تقلب و دست‌درازی در انتخابات افغانستان بکشد.

اما با این تفاوت که این مداخله باید به نفع او صورت بگیرد

برنده‌شدن مخالفانش در انتخابات پیش رو هشدار دهد.

حالا روشن نیست که موضع ایالات متحده چه خواهد بود. اما این روشن است که ادامه این پافشاری‌ها و معامله‌گری‌های آقای کرزی، سرنوشت امضای پیمان امنیتی را دگرگون می‌کند. ممکن است این دگرگونی به انتفا و یا هم انعقاد پیمانی یک‌طرفه بیانجامد که در آن صورت، بازنده اصلی مردم افغانستان خواهد بود.

او صورت بگیرد.

مسأله دیگر، تأمین امنیت است که به عنوان یک شرط مطرح شده است. سوال این است که آیا این شرط یک شرط عقلانی است؟

آقای کرزی در دوازده سال حکومتش نتوانست امنیت سراسری را تأمین کند. با آن‌که چندین بار و به صورت دوام‌دار پروسه مذاکرات با طالبان را در دستور کارش قرار داد، تمام تلاش‌های او و

هشدار سازمان ملل نسبت به آسیب‌های روحی کودکان سوری



آژانس پناهندگان سازمان ملل با انتشار گزارشی هشدار داده که جنگ در سوریه نسلی از کودکان ایجاد می‌کند که از نظر روحی و جسمی آسیب دیده‌اند. براساس این گزارش بسیاری از کودکانی که از جنگ و درگیری در سوریه گریخته‌اند، دچار آسیب‌های روانی هستند. در این گزارش گفته شده بسیاری از کودکانی که به کشورهای همسایه رفته‌اند ترک تحصیل کرده و مجبور شده‌اند که برای امرار معاش کار کنند. به گفته آژانس پناهندگان سازمان ملل بیش از ۳۰۰ هزار کودکی که در لبنان و اردن زندگی می‌کنند تا پایان سال جاری میلادی به مدرسه دسترسی ندارند. بسیاری از این کودکان در حالی که بعضی از آنها تنها هفت سال دارند، مجبورند برای ساعاتی طولانی و در مقابل دستمزدی اندک کار کنند.

۲۰ درصد مجبور به ترک مدرسه شده‌اند. آنتونیو گوترز، کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان به هنگام ارائه این گزارش گفت اگر در این مورد اقدامی فوری صورت نگیرد، نسلی بیگناه قربانی جنگی منزجر کننده خواهد شد.

این گزارش تازه‌ترین تلاش‌های انجام شده برای نشان دادن تلفات سنگین جنگ داخلی سه ساله سوریه بر کودکان در داخل و خارج مرزهای آن کشور است.

آژانس پناهندگان سازمان ملل برای تهیه این گزارش در حفاصل ژوئیه تا اکتبر سال ۲۰۱۳ مصاحبه‌هایی با کودکان و خانواده‌های آنها که در لبنان و اردن زندگی می‌کنند، انجام داد.

کارشناسان با ۸۱ کودک پناهنده مصاحبه کرده و بحث‌های گروهی با ۱۲۱ کودک دیگر در اردن و لبنان انجام دادند. آنها همچنین با کارکنان سازمان ملل و سازمان‌های غیر دولتی که با این کودکان و خانواده‌های آنها کار می‌کنند، مشورت کردند.

براساس برآورد این نهاد بین المللی بیش از ۷۰ هزار خانواده پناهجوی سوری بدون پدر زندگی می‌کنند و حدود ۳۷۰۰ کودک پناهجو بدون هر گونه همراهی و یا بدون والدین زندگی می‌کنند.

از حدود یک میلیون یکصد هزار پناهجوی سوری، بیش از ۳۰۰ هزار نفر در حال حاضر در لبنان، بیش از ۲۹۰ هزار نفر در ترکیه و همچنین بالغ بر ۲۹۰ هزار نفر هم در اردن زندگی می‌کنند.

آمار همچنین نشان می‌دهد که شمار دیگری هم در کشورهای عراق و مصر هستند.

براساس گزارش سازمان ملل بیم آن می‌رود که کشورهای میزبان نتوانند از عهده برآوردن نیازهای این پناهجویان برآیند.

روسیه از آمادگی خود برای گسترش روابط امنیتی با ناتو خبر داد



معاون وزیر دفاع روسیه اعلام کرد اگر اراده سیاسی در ناتو وجود داشته باشد می‌توانیم روابط دو جانبه امنیتی را گسترش دهیم. به گزارش خبرگزاری آلمان از مسکو، آنتونیو گوترز معاون وزیر دفاع روسیه در کنفرانس مطبوعاتی خود جمعه با اعلام اینکه موضوع سپر موشکی آمریکا بزرگترین مشکل در روابط با ناتو و آمریکا است افزود: «مسئولان غربی در دیدارهای غیر رسمی با نظیران روسی خود این نگرانی روسیه را قابل توجه دانستند.» آنتونیو تصریح کرد موسکو برای گسترش همکاریها با ناتو تلاش میکند و از سطح روابط خود درباره تسلیحات هجومی و راهبردی با آمریکا رضایت دارد.

وی همچنین اعلام کرد چالشهای امنیت ملی، مسئله افغانستان و همچنین اوضاع خاورمیانه از جمله محورهای اصلی کنفرانس امنیت بین المللی خواهد بود. این کنفرانس قرار است ماه مه آینده در روسیه برگزار شود.

فرمانده جدید ارتش پاکستان سوگند یاد کرد



جنرال راهیل شریف که به عنوان فرمانده جدید ارتش پاکستان انتخاب شده بود، روز جمعه در مراسمی در محل ستاد ارتش در راولپنڈی، سوگند یاد کرد.

جنرال شریف جانشین جنرال پرویز مشرف کیانی شده است که به طور رسمی روز پنجشنبه بازنشسته شد. جنرال کیانی، چهاردهمین فرمانده ارتش پاکستان از زمان تشکیل این نیرو بود که با کناره‌گیری جنرال پرویز مشرف، جانشین او شده بود.

فرمانده جدید ارتش پاکستان قبل از انتخاب به این سمت، بازرس کل ارتش در امور آموزش و ارزیابی بود. او مدتی هم ریاست دانشکده نظامی پاکستان در کاکل در ایبٹ آباد را برعهده داشت. ایبٹ آباد مکانی است که نیروهای ویژه آمریکایی در عملیاتی اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده را در مخفیگاهش در این منطقه کشتند.

جنرال شریف از جمله فرماندهان ارشد ارتش پاکستان است که خطر شبه‌نظامیان مسلح را با خطر احتمالی از سوی هند برابر می‌داند.

ارتش پاکستان به طور سنتی هند، همسایه شرقی این کشور را دشمن استراتژیک خود محسوب کرده است. اما در اوایل سال جاری میلادی، یک سند داخلی ارتش که از سوی بی‌بی‌سی دیده شد برای اولین بار بر وجود تهدیدهایی در مرزهای غربی این کشور تاکید کرده بود.

بر اساس این سند، مقام‌های ارتش پاکستان بر این باورند که عوامل شبه‌نظامی فعال در مرزهای غربی، خطری را متوجه موجودیت پاکستان می‌کنند، بنابراین باید با آنها مقابله کرد. انتخاب جنرال شریف به فرماندهی نیروی زمینی ارتش پاکستان در حالی صورت گرفت که دست‌کم دو افسر ارشدتر از او در ارتش برای تصدی این پست وجود داشتند. جنرال شریف جدای از تحصیلات نظامی در پاکستان، دوره‌های فرماندهی و رهبری را در آلمان، انگلیس و کانادا هم گذرانده است. پدر وی نیز از افسران ارتش پاکستان بود و برادرش که در جنگ ۱۹۷۱ با هند در عملیاتی کشته شد به خاطر رشادت در جنگ، مدال «نشان حیدر» را که بالاترین مدال نظامی پاکستان است، دریافت کرد.

نیروی زمینی ارتش پاکستان، که یگان ارشد در نیروهای مسلح این کشور است، همواره نقش مهمی در عرصه سیاسی ایفا کرده است؛ هرچند پس از روی کار آمدن دولت غیر نظامی در سال ۲۰۰۸ و برکناری رژیم نظامی جنرال پرویز مشرف، نظامیان به رهبری جنرال کیانی تلاش کرد تا از صحنه رقابت‌های سیاسی دوری کند.

اوباما: امریکا در آینده‌ی نزدیک رییس جمهوری زن خواهد داشت



بارک اوباما رییس جمهوری امریکا در مصاحبه ای که جمعه منتشر شد اعلام کرد یک زن در آینده ای نزدیک جای او را خواهد گرفت. اوباما در مصاحبه بی بی سی گفت: «مقامات عالی در سرتاسر کشور داریم و من هیچ شکی درباره این مسئله ندارم که در آینده ای بسیار نزدیک، ما یک رییس جمهوری زن خواهیم داشت.»

در این مصاحبه رییس جمهوری امریکا اعلام کرد: «این رییس جمهوری احتمالی زن عملکرد بسیار خوبی خواهد داشت، من در این خصوص مطمئن هستم.»

شبکه تلویزیونی ای بی سی که بخش‌هایی از این مصاحبه را در پایگاه اینترنتی خود پیش از پخش آن در جمعه شب منتشر کرده است تصریح نمی‌کند آیا اوباما نام هیلاری کلینتون، رقیب ناکام او در انتخابات درون حزبی دموکرات ها در سال ۲۰۰۸ که به مدت چهار سال وزیر امور خارجه او بود، اعلام کرده است یا خیر.

کلینتون در صدر نظرسنجی‌ها برای انتخابات درون حزبی دموکرات ها به منظور انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، «بانوی اول» سابق امریکا که در آن هنگام ۶۹ سال خواهد داشت احتمال نامزدی خود را رد نکرده است اما فعلا به سخنرانی‌های پولی و بنیاد کلینتون می‌پردازد.

بر اساس نظرسنجی یک موسسه دانشگاهی که ۱۳ نوامبر منتشر شد، هیلاری کلینتون به همراه کریس کریستی جمهوری خواه، فرماندار کنونی ایالت نیوجرسی بیشترین مقبولیت را در انتخابات ریاست جمهوری آینده امریکا دارد.

فرید زکریا - روزنامه واشنگتن

چرا امریکایی‌ها از دولت‌شان متنفرند؟

سازمانی تبدیل شده است. افزایش واحدهای بخش دولتی، نیروی کار را انعطاف‌ناپذیرتر و تاثیرناپذیرتر کرده است. فرانسیس فوکویاما، کارشناس استدلال‌فورد خاطر نشان می‌کند که نیمی از کل دواطلبان جدید در این بروکراسی فدرال را کهنه سربازانی تشکیل داده‌اند که بسیاری از آنها ناتوان هستند. قابل تحسین است که این دولت می‌خواهد به کهنه سربازان کمک کند و باید به دنبال راه‌هایی باشد تا فرصت‌ها را برای آنها گسترش دهد اما این دولت با افراد و لوازم بسیاری سر و کار دارد که به طور اجتناب‌ناپذیر قابلیت و کیفیت آنها از نظر اهمیت تنزل درجه یافته است.



پل لایت به طور خلاصه به این مساله می‌پردازد که کنگره چطور زمانی که احکام خود را تصویب می‌کند، طبقات جدید مدیریت به طور عادی برای اجرای آنها ایجاد شده‌اند. او در مطالعه «خط مقدم» مشاغل دولتی که میان مأمور مالیات، مأمور کنترل ترافیک هوایی و نگهبانان پارک توفیر بسیار زیادی دارد، متوجه می‌شود که کارمندان باید در برابر ۹ طبقه از مقامات مدیریتی و ۱۶ طبقه از مقامات غیررسمی مدیریتی پاسخگو باشند. با توجه به ارزیابی لایت، کارمندان متوسط فدرال در حال حاضر راهنمایی‌های سیاستی و بودجه‌ای را از حدود ۶۰ طبقه تصمیم‌گیرنده دریافت می‌کنند.

چرا دست به یک فشار فرا حزبی برای یک گروه‌بندی سرتاسری در دولت فدرال نزنیم؟ باید بر بهبود ساختار اجرایی، ایجاد راه‌های آسان‌تر برای ورود افراد با استعداد به دولت و ایجاد انگیزه برای کارایی موثر در دستگاه‌های اداری تمرکز کنیم. برخی نگرانند که اگر دولت کارایی بسیار خوبی داشته باشد، توقع ما بالاتر می‌رود. در نتیجه آنها قصد دارند تا این دیو را گرسنه نگه‌دارند. اما بخش اعظم آنچه که دولت در آن کارایی مناسبی ندارد نمی‌تواند از خارج تامین شده، خصوصی و با لغو شود. با این همه امنیت ملی هسته اصلی دولت فدرال است. اگر قراردادهای خصوصی و اعطای مشاغل را نیز اضافه کنید متوجه می‌شوید که حدود ۱۵ میلیون تن در حال اجرای قوانین، احکام و دستورات دولت فدرال هستند. شاید بتوان این رقم را کاهش داد اما مطمئنا وظیفه مهمتر و ضروری‌تر این است که مطمئن شویم آنها تا جایی که ممکن است به طور موثر و کارآمد فعالیت خود را انجام می‌دهند.

روزولت «New Deal» و جنگ جهانی دوم ممکن است برای مدتی این مساله را تغییر داده باشد اما در ۳۰ سال اخیر نگرش‌های ضد دولتی به طور مداوم افزایش یافته است. دو کمیسیون ملی در مورد خدمات دولتی به طور دقیق به خطرات نبود افراد با استعداد به اندازه لازم در دولت می‌پردازند. موانع رو به رشد از جمله شرایط آشکار، نگرانی‌های تداخل منافع و بررسی‌های سیاسی، نامزدهای شایسته انتخاباتی را از شرکت در انتخابات منصرف کرده و یا آنها را برکنار می‌کنند.

مشکل، دو حزبی بودن است. در سمت راست گراها، مردم بسیاری معتقدند که نقش آنها در واشنگتن کوچک شمرده، حمله و قطع کمک‌ها به دولت است. این حمله بی‌رحمانه اعتماد عمومی را از بین برده و آژانس‌های فدرال را از صحنه مأموریت و بلندپروازی محروم می‌کند. کاهش مداوم بودجه، توانایی دولت را برای مقابله با چالش‌های جدید محدود کرده است. هیچ تلاشی برای تفکر و برنامه‌ریزی جاه‌طلبانه چه در زمینه قضایی و چه در زمینه زیربنایی وجود ندارد. ظاهرا تمامی آژانس‌ها در وضعیت کاهش هزینه و کنترل آسیب هستند. تداوم حملات سیاسی شده خواه با بلوک کردن تأییدیه صدها مقام و خواه با تحقیق از آنها در تمام موارد، به ایجاد جو احتیاط و بی‌زاری کمک کرده است.

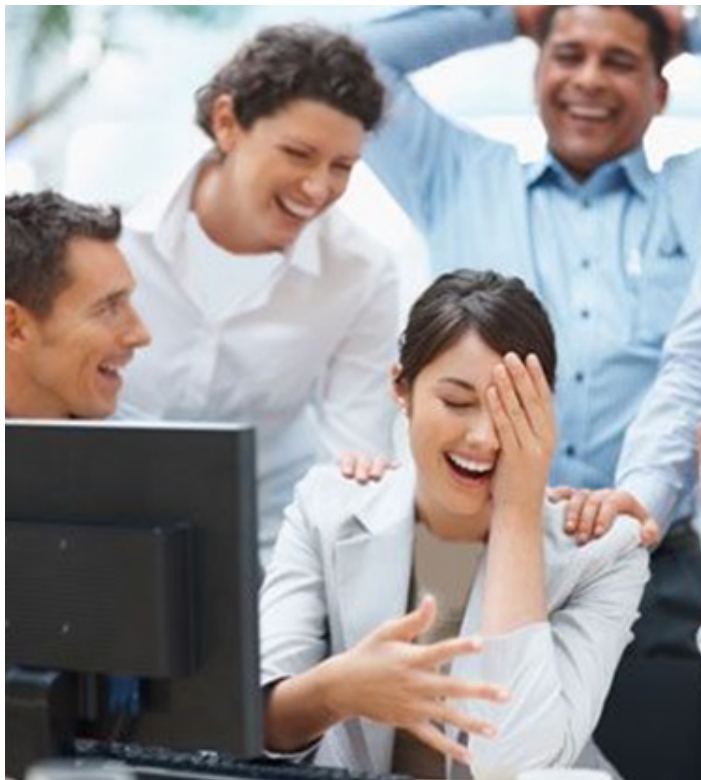
در سمت چپ‌گراها، برنامه‌های سیاسی و لیست آرزوها متمرکز بر برتری جوینی است. این دولت فدرال به زیاده‌دانی برای تمامی انواع اهداف همچون کارکنان، لوازم و احتیاجات، قوانین تهیه و تدارک و ساختارهای

واشنگتن با یکی از مناقشات عجیب خود مواجه است مبنی بر اینکه آیا ارائه خدمات درمانی دولت بارک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا بدتر از واکنش دولت جورج بوش، رئیس‌جمهوری سابق امریکا نسبت به توفان کاترینا است یا خیر؟ اما پاسخ هر چه که باشد، داستان واقعی این است که هر دو، مثال‌هایی از یک روند مهم و مایوس‌کننده یعنی کاهش کارایی و قابلیت دولت فدرال است. پل وولکر، رئیس سابق صندوق ذخیره فدرال امریکا سال‌های متمادی گفت، اکثر امریکایی‌ها معتقدند دولتشان دیگر موثر نیست و این تضعیف کارایی و در نتیجه اعتماد، یک مشکل حاد و بسیار بزرگ برای واشنگتن محسوب می‌شود.

پل لایت، مشاور اول دانشگاه وینچستر در کتاب خود تحت عنوان «دولتی با عملکرد بیمار» «A Government Ill Executed» می‌نویسد: این سرویس فدرال از بزرگترین بحران خود از زمان تاسیسش در نخستین روزهای این جمهوری رنج می‌برد. دولت فدرال امریکا در دهه اخیر چالش‌های مهمی داشته است از جمله عراق، افغانستان، سیستم جدید امنیت داخلی، توفان کاترینا و سیاست درمانی اوباما. عملکرد این دولت فدرال تقریباً در تمامی این چالش‌ها گرفتار سوء مدیریت، بالا رفتن بی‌رویه هزینه‌ها و تاخیرات طولانی مدت شده است. البته همیشه به این شکل نبوده است. در دهه‌های ۱۹۴۰، ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی سازمان‌های فدرال اغلب متکی، مدیریت شده و به طور عجیبی تاثیرگذار بودند. پل هافمن، مدیر اجرایی طرح مارشال «Marshall plan»، برنامه کمک اقتصادی امریکا برای بازسازی اروپا بعد از جنگ دوم جهانی، اشاره می‌کند که برنامه بزرگ و جاودانه‌اش درست سر وقت و با کمتر از بودجه تعیین شده انجام شد. برخی از آژانس‌های فدرال از جمله سازمان قضایی امریکا «ناسا»، مراکز کنترل و جلوگیری از بیماری، سیستم صندوق ذخایر فدرال و بازوی تحقیقاتی وزارت دفاع همچنان به فرهنگ عملکرد عالی تاکید داشته و آن را حفظ می‌کنند. اما آنها در حال حاضر جزایری در دریای پیش پا افتادگی هستند. چرا؟ تا حدودی به خاطر دلایل فرهنگی و تاریخی. امریکایی‌ها همیشه به دولت مشکوک بودند. افراد جوان با استعداد آرزوی تبدیل شدن به کارمندان بزرگ و عالی مقام دولت را در سر ندارند. سیاست اقتصادی

بخش نخست

شوخی شوخی موفقیت از آن شماست!



شوخی طبیعی و اخلاق خوش به ۱۰ دلیل زیر می‌تواند کلید موفقیت در کارها باشد:

- ۱- مردم از کار کردن با شما لذت می‌برند**
مردم دوست دارند با افرادی کار کنند که از آن‌ها خوششان می‌آید. همه ما ساعات زیادی از زندگی‌مان را در محل کار سپری می‌کنیم و دوست نداریم در این ساعات به ما بد بگذرد. شوخی طبیعی مثبت و خوب، بهترین راه برای به دست آوردن دل دوستان و اثرگذاری بر افراد است. شوخی کنید ولی شوخی‌های تان نباید آزاردهنده باشد.
- ۲- شوخی طبیعی یک استرس‌کش قوی است**
در واقع شوخی طبیعی، تغییری ادراکی در دیدگاه شما به موارد استرس‌زا ایجاد می‌کند و واکنش عاطفی و واکنش جسمی است که وقتی می‌خندید، شما را آرام می‌کند.
- ۳- تمدن‌زاست**
مزاح هم به کارمندان و هم به مدیران، امکان نزدیکی بیشتر به هم را می‌دهد و باعث می‌شود آن‌ها بفهمند که همه‌گی در واقع به دنبال چیزهای یکسانی هستند.
- ۴- به دیگران آرامش و راحتی می‌دهد**
شوخی کردن راهی برای گذشتن از موانع تنش‌زا است. پژوهش‌ها ثابت می‌کنند که مزاح و شوخی در محل کار یک برطرف‌کننده عالی موانع است. افرادی که در پاسخ به تعارض‌ها می‌خندند، از تفکر همگرا و فکر کردن به تنها یک راه‌حل به سوی تفکر واگرا و در نظر گرفتن چند راه‌حل می‌روند.
- ۵- افرادی که شوخی طبع هستند، خوش‌برخورتر اند**
هرچه خوش‌برخورتر باشید، به‌ویژه در مقام یک لیدر، افراد دور و بر شما صداقت و آزادی بیشتری خواهند داشت. و هرچه افراد آزادتر و صادق‌تر باشند، تیم‌ها خلاق‌تر و موفق‌تر می‌شوند.
- ۶- خلاقیت ایجاد می‌کند**
شوخی طبیعی یکی از لازمه‌های کلیدی در تفکر خلاقانه است و به افراد کمک می‌کند که با ایده بازی کنند، نقد درونی خود را کاهش دهند و با دید جدیدی به مسایل بنگرند. شوخی و خلاقیت هر دو درباره نگرستن به چالش‌ها با دیدی جدید و ایجاد روابط جدیدی است که تا به حال به آن‌ها فکر نکرده بودید. شوخی محیطی پرثمر برای نوآوری فراهم می‌کند و افراد وقتی راحت باشند، الهام بیشتری می‌یابند.
- ۷- به اعتمادسازی کمک می‌کند**

با استفاده صحیح و مؤثر از شوخی و مزاح می‌توانید اعتمادسازی کنید؛ زیرا شوخی اغلب شخصیت واقعی افراد زیر نقاب حرفه‌بی‌شان را آشکار می‌کند. افرادی که حس شوخی طبیعی مثبت و سالمی دارند، محبوب‌تر هستند و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. شوخی طبیعی نشانه‌ی از هوش محسوب می‌شود و همه این ویژگی‌ها و این‌که شوخی بیخ‌ها را می‌شکند و دیوارها را خراب می‌کند، می‌تواند به ایجاد روابط بهتر در محل کار کمک کند؛ به‌ویژه این‌که این روزها داشتن روابط زیاد به موفقیت کمک زیادی می‌کند.

۸- روحیه را بهتر می‌کند
شوخی کردن روحیه را بالا می‌برد و گوشه‌گیری، بازده کاری را کم می‌کند. کارمندان دوست دارند با کسانی که شوخی طبع هستند، کار کنند. همه ما شوخی و خنده در محل کار را دوست داریم و دوست نداریم احساس خدمت اجباری کنیم.

۹- شرکت شما را متمایز می‌کند
مزاح و شوخی باعث می‌شود که شرکت شما متمایز باشد و فراتر از خدمات به مشتریان رفتار کند. اگر دوست دارید از دیگران متمایز باشید، شوخی و مزاح همراه با خدمات‌تان را فراموش نکنید تا در کارتان مؤثرتر و موفق‌تر باشید.

۱۰- بهره‌وری را افزایش می‌دهد
شوخی طبیعی، فضایی سرزنده و شاد ایجاد می‌کند و تعامل‌ها و توفان مغزی، ایده‌های نو را تشویق می‌کند و همه این‌ها به بهره‌وری بیشتر می‌انجامد. اگر با شوخی و خنده در محیطی شاد و جوانانه قرار داشته باشید، علاقه بیشتری به کارتان خواهید داشت. اخلاق کاری شما بهتر می‌شود و اشتیاق شما به دیگران نیز سرایت می‌کند. پس شوخی طبیعی یک فاکتور برد - برد هم برای خودتان و هم برای کارفرمایان تان است.

تأثیر فرهنگ یونانی بر تمدن امروز اروپایی

داوود خدابخش

بودند، فرومی‌باشد. در پی آن وظایف پادشاه ۴۴ شماری بسیاری از دبیران دولت (Magi - trati) در عرصه‌های مختلف واگذار می‌شود، مانند: نظامیان، قضات، اعضای دولت، موبدان و... بدین گونه سلطنت برای جمهوری جای باز می‌کند و قدرت سیاسی جمعی شده و گرانی‌گاه آن به درون جامعه و حوزه عمومی انتقال می‌یابد. از این پس قدرت سیاسی "امری همه‌گانی" است.

۲. پیدایی فضای همه‌گانی
در حالی که قدرت پادشاه می‌کنی در تالارهای اندورنی و سری کاخ سلطنتی پنهان است، در عوض قدرت دبیران در پولیس‌های جدید همه‌گانی و در فضایی باز عمل می‌کند. از شواهد این فضای همه‌گانی میدان‌های «آگورا» (Agora) هستند که محل تجمع شهروندان بوده است. شاهد دیگر، موقعیت جدید خط است که در این دوره به ابزاری برای انتقال اندیشه و در معرض قضاوت همه‌گان قرار دادن اندیشه بدل شده بود. در این زمان، قوانین به شکل نوشتاری اعلام می‌شوند. هرچند که قدمت خط در آن دوران به دو هزار سال می‌رسد، ولی در این برهه برای اولین مرتبه در پولیس یونانی متن‌هایی منتشر می‌شوند که می‌توان آن‌ها را «کتاب» نامید.

۳. گسترش بیان و عقلانیت
از آن‌جا که «قدرت» در مجلس آزاد «آگورا» به نمایش گذارده می‌شود و هر کس قادر بوده آن را مورد تردید قرار دهد، بنابراین

بسیاری چیزهاست.

اهمیت تأثیرگذاری اولیه توسط یک سلطنت مقتدر را می‌توان در تمدن‌های غیراروپایی دید. تا جایی که می‌توان تشخیص داد و مشاهده کرد، تنها بدیلی که در برابر سلطنت وجود داشته، آشوب و هرج‌ومرج بوده است. و اگر یک امپراتوری سقوط می‌کرده، آن‌گاه شاهزاده یا حکمرانی وجود داشته که وحدت و یک‌پارچه‌گی از میان رفته را بار دیگر در قالب یک فرمان‌روایی جدید بازسازی کند. همین امر بدان‌جا می‌انجامد که در فرآیند شکل‌گیری فرهنگ، هرچند که مورد به مورد متفاوت است، نه تنها دستگاه حاکمیت سیاسی، بلکه هم‌چنین دین (با تمامی ابزارها، سازوکارها و سازمان‌هایش)، اسطوره‌ها، ادبیات، معماری، هنر، علم و سلوک در رفتار و گفتار و کردار به نوعی متأثر از سلوک حاکمیت و اقتدار سلطنتی می‌شود و معطوف به قدرت جهت می‌گیرند و راه‌گریزی برای‌شان باقی نیست. در پی آن است که امکان اندیشیدن به گونه‌ی دیگر از بین خواهد رفت. ولی یونان دوران باستان راهی دیگر پیمود.

دولت‌شهرهای یونانی یا «پولیس» (Polis) از شگفتی‌های تاریخ هستند. این دولت‌شهرها واحدهای سیاسی مستقل و پراکنده‌ی بودند که از درون یک فاجعه سر برآوردند. آن‌ها زاده فروپاشی پادشاهی‌های قدسی مرکزمدار از نوع میکنی (Mykene): سلسله پادشاهی مقتدر در نواحی جنوبی یونان) در حوالی



یک تصمیم و یا یک قانون‌گذاری زمانی به تصویب می‌رسد که بتواند همه‌گان را قانع سازد. این امر خود تنها زمانی ممکن بوده است که تصمیم‌ها و قانون‌گذاری‌ها از یک‌سو با چنان دلایل عینی و فراگیری توأم باشند که پیشاپیش امکان هر نوع اعتراض و ایراد بدان را کاهش دهد و از سوی دیگر، این دلایل با یک برهان‌آوری باوربرانگیز مطرح شوند، به طوری که وضعیت روحی و میزان دریافت عقلانی مجلس آگورا نیز در نظر گرفته می‌شود.

از نظر تاریخ‌شناس فرانسوی «ورنان»، فکر متکی بر عقل و هنر گفت‌وگو، دو خلاقیت هوشمندی است که برآیند جمعی کردن قدرت در پولیس‌های نوبنیان بوده است. بعدها علوم نظیر منطق، فنّ جدل و فنّ سخنوری (- logic, dialectic, rhet, tric) فرآیند برهان‌آوری به‌شدت عقلانی را شکل می‌دهند. این علوم باستانی در واقع به آن چیزی می‌پردازند که پیش از آن به‌طور خودانگیزه از درون مجلس آگورا فراروییده بود.

۱۲۰۰ پیش از میلاد در سرزمین یونان هستند. در پی این فروپاشی، یک دوران سیاه طولانی سده‌های میانه پیش از میلاد آغازید. این دوره سده‌های میانه را از آن رو «سیاه» می‌نامند که خط برای چندین سده ناپدید می‌شود. بر پایه دستاوردهای باستان‌شناختی، خط بار دیگر از عصر اشعار هومر، یعنی از اواخر و اواسط سده هشتم پیش از میلاد آثاری از خود برجای می‌گذارد. در این دوره شاهد بروز یک جهش تکاملی هستیم، و آن زایش دولت‌شهر یا «پولیس» است.

ژان پی‌یر ورنان، تاریخ‌شناس فرانسوی این دگرسانی تاریخی را به سیاست‌مداران و اندیشه‌ورزان یونان باستان (موسوم به «هفت خردمند» و امثال ایشان) نسبت می‌دهد. از نظر وی، این تحول شگرف برآیند چند ویژگی تاریخی بود:

۱. بحران حاکمیت
«پولیس» (یا دولت‌شهر یونانی) هنگامی پدید می‌آید که نیروی اعجازی - مذهبی پادشاه مقدس میکنی (Mykene)، که تمامی کارکردهای اجتماعی در شخص وی جمع

میان دو فرهنگ یونانی و رومی باید تمایز قایل شد. اگر پرسش از پی فرهنگ‌سازی است، آن‌گاه فرهنگ یونانی بیشتر مورد توجه ماست. در مورد سهم رومی‌ها، غیر از دو حوزه حقوق و سازمان سیاسی و نیز یک امپراتوری جهانی که رد پای خود را در حوزه دریای مدیترانه با تمامی اسطوره‌هایش برجای گذاشت و در حافظه مردمان این منطقه نقش بست (و این را به هیچ‌وجه نباید دست‌کم گرفت)، باید از دین مسیحیت نیز نام برد که بر بستر همین فرهنگ رومی فرا روید و بسیاری جوانب منفی و مثبت از خود باقی گذاشت.

در این‌جا نخست از یونان باستان و فرهنگ آن دوران آغاز می‌کنیم. فرآیند شکل‌گیری فرهنگ یونانی را باید متمایز از دیگر فرهنگ‌های دور و نزدیک به اروپا دانست، آن‌هم از مصر و میان‌رودان (بین‌النهرین یا مزوپوتامیا) گرفته تا ایران و هند و چین و امریکای لاتین و تا حدودی افریقای سیاه. یکی از موارد بسیار متمایز نقش متفاوت حکومت سلطنتی در یونان از دیگر مناطق است. یونان مسیر تاریخی خود را بدون یک اقتدار سلطنتی و از دل خود جامعه و در درجه نخست با کمک اشراف گشود. در مراحل آغازین این مسیر تاریخی و فرهنگی، قدرت سیاسی استیلاگر و پراهمیتی را نمی‌یابیم که قادر باشد معیارهای اولیه تاریخی را مشخص سازد و برنامه‌ریزی مشخصی را دنبال کند و

به مسیر تاریخی شکل معینی ببخشد. در آن‌جا بیشتر شاهد مجموعه‌ی از جوامع مستقل و کوچک سیاسی هستیم و اثری از فکر برپایی یک اقتدار واحد جهان‌گشا و تشکیل یک امپراتوری را نمی‌بینیم.

در این مراحل آغازین هزاره اول پیش از میلاد، یعنی در سده‌های هشتم، هفتم و ششم پیش از میلاد، یک عامل تعیین‌کننده و پراهمیت نیز بروز کرد که آن سنت پیشین را نقض می‌کرد. این عامل تعیین‌کننده، شکل‌گیری یک فرهنگ شهری بود که در شهر آن متمرکز شده بود. این فرهنگ جدید شهری چنان نوآوری‌هایی را با خود به همراه آورد که چه به‌طور عمودی در طول تاریخ بشر و چه به‌طور افقی در سطح جهان تأثیری ژرف از خود برجای گذارد. در این مرحله بود که انگیزش سیاسی جامعه یونانی قدرتی فزاینده گرفت، آن‌هم چه از نظر پویایی، تجربه و هویت اجتماعی و نیز پرسش‌گری و یا حتا از نظر کفر و معصیت. ولی با این حال در این مرحله نیز نشانی از یک استیلا سلطنتی مشاهده نمی‌شود و همین امر گویای

مر تضى گودرزى ديباج
بخش نخست

هنر قهرمان شريفى ندارد

رسانس» به سال ۱۹۸۲ نوشت که: هرگز نمی‌توان تفاوتی میان اثر هنری و دیگر فعالیت‌های اجتماعی قایل شد. تولید اثر هنری فقط یک فعالیت فرهنگی است و فقط از نظر نوع فرمول‌بندی با فعالیت‌های دیگر هم‌چون نجاری، سبببافی، صنایع دستی و حتا معلمی تفاوت دارد. او هم‌چنین به یک قرارداد و توافق متعارف اجتماعی تأکید کرد که اثر هنری فقط محصل میثاق و توافق ناخودآگاه میان یک آفرینش‌گر و دیگر نهادها و فعالیت‌های اجتماعی است. میشل فوکو نیز به عنوان یک نظریه‌پرداز برجسته در دوره مدرن، انسان را ساختاری برآمده از شرایط «اجتماعی» - تاریخی برشمرده و اعلام کرد که انسان دو ساختار به هم پیوسته را در درون خود تجربه می‌کند که اغلب نیز به این تجربه آگاهی ندارد: یکی عاملی آگاه برای انجام رفتارهای مشخص و دیگری تبدیل شدن به عاملی در درون نظام تعریف شده عددی فرهنگی - اجتماعی که از درک و دریافت و کنترل آن نیز ناتوان است.



بیشتر رانده می‌شود، این پدیده بیشتر در هاله‌یی از ابهام فرو می‌رود. این تردید و شک در تعاریف منتقدان و محققان، سرانجام به نوعی مقاومت فکری در برابر هر نوع تعریف و بیانی‌یی ختم شد که بازتاب آن گشوده شدن قلمرو دیگری از اندیشه بود که از یک سو پایه‌های خودِ مدرنیسم را به لرزه درآورده و از سوی دیگر، خود به نوعی بی‌اعتنایی به خود هنر انجامید. در نتیجه بحران دیگری در حیطه اندیشه آغاز شد. با این حال در ابتدای دهه هفتاد این بحران فلسفی در هنر، نوعی نیاز به هنر ارزشی یا متعالی را به وجود آورد؛ نیازی که هرگز در جامعه نوین پاسخ داده نشد.

اما هنر مفهومی با هدف آرایه تعریفی فراگیر و جهان‌شمول، آسیب‌پذیر، کامل، و در عین حال نو، پای به میدان گذاشت، هرچند که زمینه‌های این هنر در دهه‌های پیشین فراهم شده بود. هنر مفهومی خود می‌کوشید که تجلیات تصویری و فضایی هنر را نیز به حیطه ذهن بکشاند. فلسفه - و فلسفه‌بافی - و حیطه‌های مختلف کلامی نیز به کمک آن آمدند و ذهن را اولین و آخرین منزل‌گاه هنر نام نهادند. بنابراین مرز میان مباحث مختلف زیبایی‌شناسی، و فرمالیسم، ادبیات و فلسفه هنر فرو ریخت. از حدود ۱۹۷۶ به بعد با پیدایش بحران‌های مختلف اقتصادی در جهان، اعلان و آرایه برخی از تئوری‌ها و نظریه‌هایی هم‌چون: «پایان دوره فرهنگ مکتوب و آغاز دوره فرهنگ تصویری»، «جهان نیازی به سوپرمن ندارد»، و در حیطه هنر: «هر کسی بگوید کارش هنر است پس هنر است» و «به سخنان منتقدان و مقدان هنری گوش نکنید و مطالب آن‌ها را نخوانید»، فضای هنر مدرن متأثر از یک بازار به هم پیوسته - که در آن «نفع و زیان» حرف اول را می‌زند - به مدد مشاوران و مدیران هنری ظاهراً به انگیزه گفت‌وگوهای هنری و جهانی شدن هنر، در نهایت با نگاه به بازاریابی‌های جهان‌شمول چهره دیگری را از خود به نمایش گذاشت. دیگر، تحلیل‌ها و نقدها و گفت‌وگوهای هنری به عمق واقعی خود هنر و اثر هنر نمی‌پرداختند و نمی‌کوشیدند تا پرسش‌های اساسی را در باب مسایل مختلف ارزشی مطرح یا پاسخ‌گو باشند. بلکه تنها به گزارش‌های هنری اکتفا کرده و تماشاچی و مخاطب و خریدار نیز در تن دادن به یک هماهنگی در خلسه‌یی متأثر از فضای رسانه‌یی با این کارناوال همراهی کردند. گزارش‌های هنری و به تعبیر بهتر اطلاع‌رسانی‌های هنری در قالب نقد و نظریه و سخنرانی و بیانی‌ه و مصاحبه نیز کوشش کردند تا هرچه بیشتر از اثر هنری فاصله گرفته و بدین‌وسیله امکان آن را بیابند تا به مدرکات و محسوسات خود میدان بیشتری داده و بتوانند بدون قید و محدود شدن در بازنمایی، توصیف یا تحلیل اثری هنری، هویتی مستقل بیابند. این فاصله باعث شده تا هرچه بیشتر در مورد اثر هنری سخن رانده می‌شود، مخاطبین - که حتا اغلب خود هنرمندان و تولیدکننده‌گان هنری نیز هستند - کمتر آن را بفهمند و از طرفی چون فضای حاکم بر جامعه‌های نوین با این موج هماهنگ است، احساس نیاز به پرسشی تیز باقی نمی‌ماند.

هنر و تولید هنری در یک فرآیند نسبتاً پیچیده، هم‌پای فعالیت‌های دیگر اجتماعی در حیطه فرهنگ و اقتصاد قرار گرفت و حتا «استفن گرین‌بلات» در کتابی تحت عنوان «شکل‌های قدرت و قدرت شکل‌ها در دوران

هنر مدرن به مدد نوشته‌ها،

سخن‌رانی‌ها و نقدهای مختلف کوشید

تا عمق اندک خود را ببوشاند و با

به‌کارگیری الفاظ پیچیده و فنی، چشم

از اجتماع و آنچه بر آن می‌گذرد،

برگرفته و در عین حال خود را منجی

مراتب و مدارج متعالی و قابل تأمل

هنری قلمداد و معرفی کند. تولیدکننده

هنر و عرضه‌کننده و مصرف‌کننده

آن نیز - در قراردادی غیر رسمی و

کنش‌مند با نوعی ادبیات قراردادی آب

در آسیاب هم ریختند تا این هنر برآمده

از جامعه سرمایه‌داری و کاپیتالیستی

به حیات خود ادامه دهد. اما این روند

آرام‌آرام در شک درباره «اصل هنر»،

«ذات»، آن و «تعاریف» آن در هم ریخت

- تردیدی که از متفکرین منصف غربی

معاصر برخاست و مامنه آن به ما نیز

رسیده است

مختلف کوشید تا عمق اندک خود را ببوشاند و با به‌کارگیری الفاظ پیچیده و فنی، چشم از اجتماع و آنچه بر آن می‌گذرد، برگرفته و در عین حال خود را منجی مراتب و مدارج متعالی و قابل تأمل هنری قلمداد و معرفی کند. تولیدکننده هنر و عرضه‌کننده و مصرف‌کننده آن نیز - در قراردادی غیر رسمی و کنش‌مند با نوعی ادبیات قراردادی آب در آسیاب هم ریختند تا این هنر برآمده از جامعه سرمایه‌داری و کاپیتالیستی به حیات خود ادامه دهد. اما این روند آرام‌آرام در شک درباره «اصل هنر»، «ذات»، آن و «تعاریف» آن در هم ریخت - تردیدی که از متفکرین منصف غربی معاصر برخاست و مامنه آن به ما نیز رسیده است. تئوری‌های منعش از افکار کلمنت گرین‌برگ، مایکل بوتور، ژان پل سارتر، فرید، داگلاس کریمپ و هوسرل نیز مشکلی را از این تردید حل نکردند، بلکه بر پیچیده‌گی آن افزودند. آرای برخی از نظریه‌پردازان ذکر شده مفاهیم هنر را در دوره مدرن هرچه ناملموس‌تر و انتزاعی‌تر می‌کرد و آرای برخی نیز آن را هرچه نزدیک به زنده‌گی روزمره و ناخودآگاه می‌گرداند.

- در آغاز دهه شصت مایکل بوتور ضمن اعلام انزجار از طبیعت‌پردازی به انتزاع‌گری نیز تاخت و نوجویی تازه‌یی را طلب کرد. در حدود پایان همین دهه نیز متفکرانی هم‌چون «داگلاس کریمپ» در مطالب خود پایان مدرنیسم را اعلام کردند، اما هم‌چنان شاخص‌ترین مسأله برای اندیش‌مندان پرسش در مورد خود هنر، ذات آن و یافتن تعریفی در مورد آن بود. این عدم روشن‌بینی در مورد هنر آن‌چنان بود که بسیاری از مخاطبین و بلکه اکثر هنرمندان و مصرف‌کننده‌گان آن نیز دریافتند که هرچه پیرامون آن سخن

هنر مدرن یا کانسیپچوال زاییده مدرنیته است. در یک نگاه بسیار کوتاه و با کمی اغماض می‌توان گفت که مدرنیته یعنی رویکردی عقلانی به هر چیز و کوشش برای خردباوری و خرداندیشی کردن هر چیز، زدودن و انهدام باورهای کهن و سنتی و البته با پشت سر نهادن ارزش‌ها و از همه مهم‌تر دارای نوعی استبداد مترقی‌کنش‌مند و پنهان.

اما هنر جدید به مثابه نوعی ابداع، تجربه‌های شخصی را در بر دارد و در این راستا هنرمند به شکلی مبالغه‌آمیز به هیچ تعهد و قراردادی تن نمی‌دهد. با این حال نوعی آشفته‌گی روانی خزنده و حاکی از نگرانی در پس حرکات و رفتار این هنر وجود دارد. هنر در گذشته‌های دور تحت حمایت و در واقع زیر بال کلیسا و دربار بود. اما پس از تغییرات اساسی و جدی در جوامع هم‌چون انقلاب‌ها، که اغلب نیز منشای بورژوازی داشتند، هنر و در واقع هنرمندان از منشأهای پیشین قدرت و حمایت جدا شدند و بدون هیچ حامی جدی در بازار عرضه و تقاضای نوین رها شدند. نمونه چنین آشفته‌گی متأثر از تحولات اجتماعی را در اواخر قرن هجدهم و پس از انقلاب فرانسه می‌توان مشاهده کرد: گرچه هنرمند در این زمان از یوغ اسرافیت و فنودالیت‌ه رهایی یافت، اما در عوض منبع مستمر درآمد خود را از دست داد و ناگزیر از تعیینات فردی خود گذشته و سرگشته بازار در دام سوداگری افتاد. تصویری که در دوره جدید از هنرمند ارائه شد - متأثر از مناسبات اجتماعی نوین و معیشت‌پذیری - وی را از قله اعتبار اجتماعی به زیر کشید. در عوض در تکثیری وحشت‌ناک از او مدلهای فراوان و مشابهی آرایه شد که بیش از پیش جایگاه نخبه‌گان را که از آن او بود، به‌طور کلی نفی کرد. در واقع رهایی هنرمند از یوغ کلیسا و دربار به معنای واقعی رهایی او و یافتن مجالی دیگر برای آرایه خلاقیت‌های او نبود. بلکه گرفتار شدن در قایده پیچیده سرمایه‌داری و تولیدات هنری بود که جزئی جداناپذیر از قوانین کلی جوامع سرمایه‌داری به شمار می‌رفت، و این‌بار اندیشه و آرمان او بود که به بند کشیده می‌شد. - در جامعه نوین صنعتی و کاپیتالیستی روابط میان انسان‌ها هم‌چون روابط میان اشیاء و کالاها صورت جدیدی یافت. در چنین فضایی که واقعیت‌های جاری آن «انسان‌زدایی» شده و جایگاه انسان در آن مانند کالا تعریف می‌شد، هنرمند که به هر تقدیر دارای روحیه‌یی غیر قابل انطباق با وضع جدید بود، بیش از هر زمان دیگری بی‌پناهی و آواره‌گی و بریدن از اجتماع خود را تجربه کرد. از این‌رو با شک‌اندیشی و انتقاد به مخالفت - نه به معنای طغیان - با سرمایه‌داری جدید پرداخت. در واقع شعار «هنر برای هنر» نوعی اعتراض و فریاد مأیوسانه بود که هنرمند به وسیله آن می‌کوشید تا خود را از ننگ اتهام طلب نان و نام برهاند و در مبارزه‌یی بی‌ثمر با فرآیند «کالا شدن» راهی برای رهایی یابد.

- خلاقیت هنری و مهارت‌های فردی و جلوه‌های معنوی هنرمند نمی‌توانست مانع از این باشد که جامعه مصرفی او را هم یکی از «تولیدکننده‌گان» نداند. هنرمند از نگاه این مردم عضوی از جامعه کاپیتالیستی و سرمایه‌داری بود که در مقام یک خرده‌بورژوا می‌کوشید تا با ترفندهای مختلف برای گذراندن زنده‌گی «کالایی» خود را «بفروشد». از چنین منظری، هنر کالایی تقریباً تجملی به شمار می‌رفت که در شرایط «تأمین» هم‌دردی از روزمرگی زنده‌گی را درمان نمی‌کرد. در جامعه نوین، هنرمند به عنوان عضوی در طبقات اجتماعی و تقسیم کار جایگاه تعریف شده خود را یافت و از اوج اسطوره و افسانه به زیر کشیده شد و هم‌چون جایگاه همه مردم، با هرگونه دگرگونی سیاسی اجتماعی این جایگاه نیز دچار تغییر می‌شد. بنابراین در چنین اجتماعی هنرمند نیز متأثر از ادبا و نویسندگان و منتقدان، جهان بیرون را جهان ظاهر نامید و بر درون‌گرایی و پناه بردن به آلام درونی و فردی تأکید کرد.

مدرنیسم بر ساختار و استخوان‌بندی صورتی تأکید ورزید و در عین حال بر جوهره ظاهری تکیه می‌کرد. در چنین شرایطی، منتقدان و نقادان هنری که مدت‌ها پیش پا به عرصه وجود نهاده بودند، کوشیدند اثر هنری را از برخی مفاهیم، برجسته‌تر نشان بدهند. بدین‌سان خلاقیت هنری به نوعی به نقد هنری وابسته شد. اما از آن‌جا که ادله‌های علمی چندان فراهم نبود و هم‌چنین اصولاً بحث در این مقوله‌ها در حیطه علوم انسانی قرار دارد و به نظر می‌رسد که علوم انسانی نیز بر استقرآها و فرضیه‌های ناقص استوار است و قطعیتی ندارد، به ناچار مسایل مطرح شده چه در نفی و چه در اثبات، به نوعی انتزاع‌گری و آبیستراسیون مفهومی متمایل شد. هنر مدرن به مدد نوشته‌ها، سخن‌رانی‌ها و نقدهای

- یکی از ویژه‌گی‌های فضای نوین که کانسیپچوال، هنر مفهومی یا هنر جدید از بارزترین تجلیات آن می‌باشد، این است که برخورد تازه‌یی با خود هنر و تعریف جدیدی از آن بود. این برخورد دو روی ظاهراً متناقض داشت: یک روی آن تلاش برای آرایه تعریف نوینی از هنر بود که متأثر از اقتضای زمانه به سبب روبه‌رو شدن با پدیده‌هایی بود که تولیدکننده و عرضه‌کننده و فروشنده مدعی بودند که واقعاً هنر اند! روی دیگر، اصولاً گریز از هرگونه تعریف از هنر بود. چرا که ظاهراً جریانات هنری یا شبه‌هنری متأثر از جامعه مبتنی بر اقتصاد نوین نشان داده‌اند که بی‌اعتنا به تعاریف، راه خود را طی کرده‌اند. از این منظر، فلسفه هنر، تماماً بر اساس تلاش‌های بیهوده‌یی استوار شده است که کوشیده‌اند هنر را تعریف کنند. و هنر نیز متقابلاً ثابت کرده است که به پذیرش تعریفی خاص تن درنداده است. در چنین هیاهویی بسیاری از اشیای عادی اثر هنری شمرده شدند و خیل عظیمی از شیادان با استفاده از این آشفته‌بازار، خود را هنرمند نامیدند. پیش از این کاسه دست‌شویی مارسل دوشان به عنوان اثر هنری در یک گالری نمایش داده شده بود و صدها واژه زیبای بصری و هزاران الفاظ ادبی آن را تفسیر و تمجید کرده بودند.

با این حال، تا کنون تحلیل و توصیف و توجیه هنر مدرن - آن‌هم از نوع هنر مفهومی آن - عمدتاً به مدد فلسفه تحلیلی انجام گرفته است. این نوع فلسفه بیشترین و عمیق‌ترین تأثیر را در روند مسایل هنری قرن بیستم داشته است. در این نوع فلسفه، کشف مفاهیم محرک خلاقیت و اندیشه در فرآیند خلق هنری هدف فیلسوف است. از نگاه و زبان همین فلسفه است که ملاک ارزش‌گذاری و اعتبار هنر مدرن - خصوصاً از آغاز سده بیستم - و به‌ویژه هنر مفهومی احساس خاص و بازنمایی درونی هنرمند و مشارکت مخاطب در آن است.

روح هوگو چاوز در بدن کرزی

احمد عمران

مناسبات ارگ و کاخ سفید ظاهراً بر سر امضای قرارداد دوجانبهٔ امنیتی، یک بار دیگر مراحل حساس و تنش‌زایی را سپری می‌کند. ظرف دوازده سال گذشته، هرچند بارها شاهد تیره‌گی روابط میان واشنگتن و کابل بوده‌ایم، ولی این تیره‌گی به‌شدت روزهای اخیر نبوده است. حامد کرزی در آخرین ماه‌های مأموریت خود به عنوان رئیس‌جمهوری افغانستان، این روابط را وارد مراحل تنش‌زای بی‌سابقه‌یی کرده است. هرچند بحث امضای قرارداد امنیتی ظاهراً عامل اصلی سردی روابط دو کشور خوانده می‌شود، ولی این موضوع ابعاد دیگری نیز دارد که هر از گاهی از آن‌ها سخن می‌رود.

خبرنامهٔ ارگ ریاست‌جمهوری که روز پنجشنبه در واکنش به کشته شدن یک کودک به وسیله جنگنده‌های بی‌سرنشین امریکایی در هلمند منتشر شد، نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور کرزی این بار تلاش دارد که از انعطاف‌ناپذیری مواضع خود در قبال متحدان بین‌المللی افغانستان - به ویژه امریکا - اطمینان دهد. نوع ادبیاتی را هم که ارگ ریاست‌جمهوری در روزهای اخیر در مورد امریکا به کار می‌برد، از نوع و جنس سال‌های آغازین ورود نظامیان خارجی به افغانستان نیست. این ادبیات بیشتر ادبیاتی تهاجمی و هشدار دهنده است، با باری به شدت انتقادآمیز و دشمن‌محور. آقای کرزی می‌گوید اگر امریکا خواسته باشد در افغانستان بماند، خواهد ماند و اگر قصد رفتن داشته باشد، هیچ سند و پیمانی نمی‌تواند جلودار رفتنش باشد. این سخنان تلویحاً به معنای سلطه‌گر بودن امریکاست که عمدتاً در ادبیات رژیم‌های چپ کمونیست کاربرد بالایی داشت و دارد. هنوز کوریای شمالی و ونزوئلا از چنین ادبیاتی در برابر غرب و به‌ویژه امریکا استفاده می‌کنند. اسلاوی ژیتک فیلسوف نومارکسیست هر وقت می‌خواهد از امریکا سخن بگوید، آن را کشوری قلدر و مشکل‌ساز برای کشورهای دیگر و به‌ویژه جهان سوم می‌داند و باور دارد که تا نظام سرمایه از جهان رخت برنهند، انسان طعم خوشبختی را نخواهد چشید. البته این نوع ادبیات در مقابله با غرب، تنها به مارکسیست‌ها و رژیم‌های کمونیستی محدود نمی‌شود. گروه‌های تندرو اسلامی نیز به نحوی از همین ادبیات در برابر غرب استفاده می‌کنند. طالبان و القاعده،

امریکا و غرب را دشمنان اسلام توصیف می‌کنند و عقیده دارند که «جهاد» در برابر آن‌ها فریضهٔ دینی و اسلامی است. اما دربارهٔ این‌که آقای کرزی چه‌گونه به چنین دیدگاهی رسیده، فقط می‌توان گفت که شاید روح هوگو چاوز رئیس‌جمهوری پیشین ونزوئلا به بدن او حلول کرده است. آقای کرزی از حامیان مهم منافع امریکا بوده و همین مشخصه سبب شده که او دوازده سال را به عنوان رئیس‌جمهوری افغانستان باقی بماند. در سال‌های نخستین که آقای کرزی تازه طعم قدرت را مزمه می‌کرد، هیچ‌گونه انتقادی را در برابر کشورهای متحد افغانستان در مبارزه با تروریسم برنمی‌تافت و حتا گروه‌ها و جناح‌های معترض و منتقد داخلی را به وسیلهٔ آن‌ها هشدار می‌داد. اما این دوستی بی‌شایبه به مرور زمان به‌سردی گرایید و با راه یافتن بارک اوباما به کاخ سفید تنش‌آلود شد.

اگر مرور کوتاهی بر روابط دوازده‌ساله میان امریکا و افغانستان داشته باشیم، به‌خوبی درمی‌یابیم که در زمان حاکمیت جمهوری خواهان، روابط آقای کرزی با این کشور چنان دوستانه و صمیمی بود که هرگز گمان نمی‌رفت روزی این مناسبات چنین دوران سختی را از سر بگذرانند. ولی مثل این بود که رفتن جورج دبلیو بوش از قدرت، آقای کرزی را نیز بی‌پشتوانه گذاشت و او را در معرض انتقادهای تند دموکرات‌ها قرار داد.

درد آقای کرزی، درد حاکمیت ملی نیست. اگر آقای کرزی چنین دردی می‌داشت، چرا در زمان آقای بوش خواهان تأمین فوری صلح و پایان دادن به عملیات شبانه نمی‌شد؟... فراموش نکنیم که در آن‌زمان دست امریکایی‌ها بیشتر از امروز در مسایل افغانستان باز بود و اشتباهاتی را که امروز آقای کرزی از آن‌ها سخن می‌گوید، عمدتاً در آن سال‌ها به‌وفور از سوی این نیروها انجام شد؛ اما در آن سال‌ها به‌دلیل حمایتی که آقای کرزی از امریکا دریافت می‌کرد، همهٔ آن اتفاقات نادیده گرفته می‌شد و به‌شدت از عمل‌کرد امریکایی‌ها در افغانستان دفاع صورت می‌گرفت. آقای کرزی در آن سال‌ها توافق‌نامه‌های متعددی را با امریکا به امضا رساند و بیشتر چیزهایی را که امروز رد میکند و یا خواهان توقف آن‌هاست، شخصاً با این کشور امضا کرده است. حالا چرا تاوان اشتباهات گذشتهٔ آقای کرزی را در مدیریت سیاسی کشور، شهروندان عادی باید بپردازند؟ چرا آقای کرزی

از اشتباهات خود سخن نمی‌گوید و بار ملامتی‌ها را می‌خواهد به گردن دیگران بیندازد؟ البته گمان نرود که این سخنان به معنای دفاع از امریکا و یا هر کشور دیگری در مقابل آقای کرزی است. این کشورها بدون شک به دلایل خاصی در افغانستان حضور نظامی دارند و اگر منافع‌شان ایجاب نکند، بدون شک یک دقیقه هم باقی نخواهند ماند. ولی یک نکته را نباید از یاد برد که حداقل امریکا در دوازده سال گذشته بر اساس آمار رسمی‌بی که مقام‌های این کشور ارایه می‌کنند، نزدیک به شش صد میلیارد دالر را در افغانستان مصرف کرده و در حدود دوهزار سرباز خود را از دست داده است. از جانب دیگر، غربی‌ها با آمدن به افغانستان تعهداتی را متقبل شدند و اعلام کردند که برای توسعهٔ سیاسی و اقتصادی حاضر اند کشور ما را کمک کنند. در این‌که غربی‌ها در تحقق تعهدات خود در افغانستان موفق نبوده‌اند نمی‌توان تردید کرد؛ ولی از سوی دیگر فراموش نکنیم که حضور جامعهٔ جهانی در افغانستان یک فرصت کم‌سابقهٔ تاریخی بود که اگر به‌درستی و دقت از آن استفاده می‌شد، امروز نیازی نبود که بر سر امضای فلان و بهمان تفاهم‌نامه، چنین جنجال‌هایی به‌وجود آید. آقای کرزی اشتباهات بزرگی را که ظرف دوازده سال گذشته انجام داده، می‌خواهد در ظرف پنج‌ماه باقی‌مانده رفع و رجوع کند؛ در حالی که چنین امری اگر محال نباشد، ولی بدون شک بسیار دشوار است.

مدیریت سیاسی ناسالم آقای کرزی و تیم او باعث شد که اتکای افغانستان به جامعهٔ جهانی نه تنها کاهش نیابد، بل افزایش پیدا کند. امروز وقتی از افغانستان سخن می‌گوییم، از کشوری حرف می‌زنیم که در لبهٔ پرتگاه قرار دارد؛ کشوری که هنوز به کمک‌های جامعهٔ جهانی نیاز دارد و بدون این کمک‌ها نمی‌تواند دستاوردهای یک دههٔ گذشته را حفظ کند.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره شود این است که همهٔ مسایلی که امروز به عنوان مسایل اختلافی میان دو کشور افغانستان و امریکا به‌وجود آمده، قبل از این‌که چنین بزرگ شوند، قابل مدیریت بر سر میز مذاکره بودند. اگر آقای کرزی نمی‌تواند مسایل سیاسی را مدیریت کند و بر سر میز مذاکره دیگران را قناعت دهد، این دیگر مشکل دیگران نباید قلمداد شود.

ادامهٔ عملیات هوایی با...

موافقت نامه دوجانبه امنیتی بالا گرفته است. لویه جرگه ای که به این منظور برگزار شده بود نیز بر پایان حملات امریکایی ها بر خانه های مردم تاکید کرد.

به نقل از دفتر ریاست جمهوری افغانستان، حامد کرزی با اشاره به فیصله لویه جرگه گفته است: «این حمله نشان می‌دهد که نیروهای امریکایی به زندگی و مصونیت خانه‌های مردم افغانستان و فیصله‌های لویه جرگه مشورتی هیچ گونه احترامی قابل نیستند».

رئیس‌جمهور افغانستان افزوده است که از سال‌ها به این سو مردم بی‌گناه افغانستان تحت نام جنگ علیه تروریسم قربانی می‌شوند و خانه‌های شان مصونیت ندارند. او بارها تاکید کرده است که جنگ علیه تروریسم نه در قریه های افغانستان بلکه باید در پناهگاه های آنها صورت بگیرد.

این حمله می‌تواند مانع دیگری بر تلاش‌ها برای امضای موافقت نامه امنیتی دوجانبه تا آخر سال جاری ایجاد کند. پیش از این حامد کرزی گفته بود این موافقت نامه را پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال آینده امضا نمی‌کند.

کرزی در واکنش به حمله اخیر ناتو بر موضع قبلی اش تاکید کرده است: «تا زمانی که این چنین خودسری‌ها و ظلم نیروهای خارجی بالای مردم ما ادامه یابد، موافقت نامه امنیتی با ایالات متحده امریکا امضا نخواهد شد».

ادامه تنش

مقام‌های امریکایی تاکید دارند که برای برنامه ریزی برنامه های آینده باید موافقت نامه دوجانبه امنیتی میان کابل و واشنگتن تا اخیر سال روان میلادی به امضا برسد. واشنگتن تهدید کرده است که در غیر آن، هیچ نیرویی را بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی نمی‌گذارد.

جنرال جوزف دانفورد، فرمانده نیروهای بین‌المللی در افغانستان گفته است که ناکامی کرزی در امضای این موافقت نامه نه تنها باعث ضعف اقتصادی افغانستان می‌شود بلکه به همسایه های قدرتمند افغانستان جسارت می‌بخشد و در نهایت به فروپاشی نیروهای امنیتی افغانستان منجر می‌شود. این جنرال امریکایی به روزنامه «وال ستریت ژورنال» گفت: «من نمی‌دانم که آیا او (کرزی) این مخاطره‌ها را کاملاً درک می‌کند».

دانفورد افزود که افغانستان نمی‌تواند بدون تعهدات داده شده در نشست سال گذشته سران ناتو در شیکاگو، از ناامنی نجات یابد: «همین حالا فکر نمی‌کنم که افغانستان بدون تعهدات شیکاگو قادر باشد نیروهای امنیتی اش را تقویت کند و پایدار نگهدارد».

می‌خواهم در ارگ...

این خانه مربوط ریاست دهم امنیت ملی بوده که آقای کرزی آن را خریده است.

آقای کرزی در پاسخ به پرسش خبرنگار رادیو آزادی که پس از پایان حکومت‌تان می‌خواهید در کجا زنده‌گی کنید، گفته است: «اگر زنده بودیم، خداوند به ما حیات بخشیده بود، همان‌جا (ارگ) می‌باشیم. اگر حکومت (آن) وقت افغانستان لازم دانست ما همان‌جا می‌باشیم، اگر ندانست می‌رویم در یک گوشهٔ وطن برای خود یک جای پیدا می‌کنیم، زنده‌گی می‌کنیم. و ان‌شاءالله و تعالی انتخابات می‌شود و رئیس‌جمهور جدید می‌آید و افغانستان باثبات باقی می‌ماند و افغانستان خوب باقی می‌ماند. افغانستان امروز بسیار خوشحال‌تر است و ما آموختیم از تاریخ خود.»

آقای کرزی در پاسخ به این پرسش که تصور مردم افغانستان پنجاه سال بعد از شما چه خواهد بود، گفته است: «خدا کند که تصورشان درست باشد. آنچه را که من انجام داده‌ام باید در پیش‌روی آن‌ها گذاشته شود که این آدم از خاک و مردم خود دفاع کرد؛ وحدت ملی را به تمام معنای آن تأمین کرد؛ به هیچ خارجی سر خم نکرد؛ پرچم افغانستان را در تمام جهان به اهتزاز درآورد؛ رابطهٔ افغانستان را با تمام جهان برقرار کرد؛ هم با امریکا و هم با ایران دوستی کرد؛ هم با چین هم با هند و روس رابطهٔ خوبی داشت و برای پاکستان گفت که بیا عزیزم زنده‌گی خوب کنیم؛ آموزش و پرورش سرتاسری شد، خدمات صحی برای همه ارایه شد؛ هزاران تن تحصیل و تعلیم یافتند و دو باره برگشتند به کشورشان تا به خاک خودشان خدمت کنند. اما نواقصی هم در اداره و نظام ما بود؛ فساد آن و این را هم می‌بینند. بعداً آنها یک توازن را میان کارهای ما برقرار کنند و بررسی کنند که در کدام زمینه‌ها خوب بودیم و در کدام بخش‌ها مشکل داشتیم و در آخر قضاوت کنند.»

او در پاسخ به این پرسش که مردم به صفت یک شخص از شما چگونه تصویری داشته باشند، گفت:

«خدا کند که این‌گونه تصور داشته باشند که برای خارجی‌ها شیر بود و برای مردم خود گوسفند.»

پاکستان خومره په خپلو ژمنو کې رښتینی وي وویل، اوس پاکستان له ډېرو ستونزو سره مخ دی او هغوی اوس درک کړې چې په افغانستان کې په امنیت راتلو سره یې ستونزې کمېږي له همدې امله ده، چې پاکستان به په خپلو ژمنو کې رښتینی وي او که په خپلو ژمنو باور ونه کړي، پاکستان کې به ترهگري نوره هم پراخه او دغه هېواد به له لا ډېر گواښ سره مخ کړي.

عبدالحمید مبارز وايي، دا چې د نوازشریف له راتگ وړاندې ولسمشر کرزي هند ته د خپل سفر اعلان کړی دی، افغانستان غواړي د هند او پاکستان ترمنځ توازن رامنځته کړي او کله چې دغه توازن رامنځته شي دواړه هېوادونه له افغانستان سره نښې اړیکې پیدا کوي.

په همدې حال کې د سیاسي چارو شننونکي احمدسعیدي ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، نواز شریف کابل ته د ولسمشر کرزي په رسمي بلنه سفر کوي، چې دا یې واک ته له رسېدو وروسته کابل ته لومړنی سفر دی.

هغه وايي، نوازشریف به په دې سفر کې چې نن ننه بېجې راځي او درې بجې به بېرته پرواز کوي، لومړی به د افغانستان او پاکستان گډ نندارتون پرانیزي، له ولسمشر کرزي او د سولې د عالي

شورا له چارواکیو سره به هم خبرې وکړي. دده په خبره، دا چې د کابل - واشنگتن ترمنځ د امنیتی تړون په اړه د ولسمشر کرزي او امریکایی چارواکیو ترمنځ ناندري - را پورته شوي؛ نو نواز شریف به تر یوه حده ولسمشر وهڅوي چې د امریکا پر وړاندې یې دريځ پر ځای دی. نوموړی زیاتوي، دغه راز ولسمشر کرزی به له دې سفر وروسته هند ته ځي دا به د پاکستانیانو لپاره ښه خبر نه وي؛ خو د نوازشریف له سفر وړاندې هند ته د ولسمشر کرزي د سفر اعلان یو ښه اقدام و چې وشو او افغان حکومت هوښیاري وکړه.

ښاغلی سعیدي وویل، دا یوه سیاسي پالیسي وه او افغان حکومت غوښتل نوازشریف ته ووايي، چې ستا له سفر وړاندې ولسمشر کرزي هند ته د سفر خیال لري، ځکه که د نواز شریف له سفر وروسته دغه اعلان شوی وای؛ داسې اټکل به کېده چې دغه پرېکړه د پاکستان د لومړي وزیر له سفر وروسته شوې ده.

د هغه په باور، چې نوازشریف کولای شي له افغان سولې سره مرسته وکړي؛ خو که چېرې دا توقع وي چې په یوه ورځ دې هر څه حل شي دا به نا ممکنه وي.

حامد کرزی به هند می‌رود



رئیس جمهور افغانستان در ماه آینده به هند سفر می‌کند تا پس از خروج نیروهای بین المللی در سال ۲۰۱۴ میلادی از این کشور در مورد انکشاف روابط دو جانبه با هند بحث و گفت‌وگو کند.

بر اساس گزارش‌های رسانه‌های هندی حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان در این سفر سه روزه اش که در هفته دوم ماه دسمبر امسال صورت می‌گیرد، با مقامات بلند رتبه هندی از جمله نخست‌وزیر من موهن سنگه در دلیلی جدید، دیدار خواهد کرد.

رئیس جمهور افغانستان در جریان این سفر که به دعوت دانشگاه پنجاب هند صورت گرفته، در آن دانشگاه سخنرانی می‌کند. روزنامه اوت لوک هندیا می‌نویسد که حامد کرزی پس از دیدار با من موهن سنگه به شهر پونه هند رفته در آنجا در سلسله مراسمی که از سوی دانشگاه سایم بیوسیس برگزار خواهند شد، اشتراک می‌کند.

این درحالی است که قرار است امروز نخست‌وزیر پاکستان به کابل بیاید. بازدید یک روزه نواز شرف از افغانستان، یک هفته بعد از دیدار نواز شریف با هیات شورای عالی صلح افغانستان در اسلام آباد، صورت می‌گیرد.

رشد تجارت راه‌حل سیاسی برای افغانستان و پاکستان است



اتاق تجارت مشترک افغانستان و پاکستان نمایشگاهی را در شهر کابل برگزار کرد. در این نمایشگاه وسایل ساختمانی، مواد خوراکی و ابزار ماشینی را به نمایش گذاشته‌اند.

محمد صادق سفیر پاکستان در افغانستان در این نمایشگاه گفت در صورتی که تجارت بین دو کشور رشد کند، اختلافات سیاسی و امنیتی نیز حل خواهد شد: «تجارت راه زندگی

پس از این نمایشگاه‌هایی با اشتراک چندین کشور منطقه ای در کابل و ولایات برگزار شوند.

فرصتی برای بازاریابی

در نمایشگاه کابل در مجموع ۴۰ غرفه وجود دارد که ۱۰ تای آن مربوط به تاجران و سرمایه گذاران افغان است.

تاجران و سرمایه گذاران پاکستانی می‌گویند که افغانستان بازار نزدیک و مناسب برای محصولات زراعتی و صنعتی آن کشور است و این نمایشگاه می‌تواند زمینه‌های مناسب بازاریابی را فراهم کند. سرمایه گذاران افغان نیز می‌خواهند محصولات شان را برای تاجران پاکستانی معرفی کنند.

احمد یک تن از سرمایه گذاران افغان که در این نمایشگاه غرفه دارد می‌گوید محصولات آب میوه را که در هرات تولید می‌شود برای تاجران معرفی می‌کند: «ما فعلا به تاجیکستان، به پاکستان و ترکمنستان صادرات داریم. جوس، انرژ و سایر محصولات نوشابه ای را به این کشورها صادر می‌کنیم»

برخی از سرمایه گذاران می‌گویند فرصت‌های خوب سرمایه گذاری در افغانستان وجود دارد اما مشکل اصلی کمبود مواد خام است.

علی نماینده شرکت غلغله گروپ در این نمایشگاه گفت این شرکت کلکین و دروازه های «پی وی سی» تولید می‌کند و این صنعت بازار بسیار خوبی دارد: «اگر ما بتوانیم مواد اولیه را از پلایاشگاه های نفتی بدست آوریم در آن صورت ما می‌توانیم محصولات خود را به خارج از کشور صادر کنیم. مشکل ما این است که مواد خام کمبود داریم.»

نمایشگاه مشترک افغانستان و پاکستان برای دو روز برگزار می‌شود و قرار است نواز شریف نخست وزیر پاکستان نیز از این نمایشگاه دیدار کند.

می‌گیرد. در حالی که نیروهای بین‌المللی به رهبری ناتو در پایان سال ۲۰۱۴ میلادی افغانستان را ترک می‌کنند، شورای عالی صلح افغانستان وظیفه دارد تا زمینه آغاز مذاکرات با طالبان را مساعد سازد.

حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در سفرش به هند در مورد پروسه آشتی ملی که در آن پاکستان نقش مهم دارد، به مقامات هند نیز معلومات می‌دهد.

اما هند به نقش پاکستان در پروسه صلح افغانستان به دیده شک می‌نگرد. هند نخستین کشوری است که در سال ۲۰۱۱ میلادی با افغانستان توافقنامه همکاری‌های درازمدت استراتژیک را به امضا رسانده است.

همکاری‌های امنیتی شامل این توافقنامه می‌باشد که به گفته وزارت خارجه افغانستان به اساس آن سالانه ده‌ها افسر امنیتی افغان برای فراگیری آموزش‌های مسلکی به هند می‌روند.

رهبران دو کشور در این سفر در مورد جلب کمک‌های نظامی هند برای تقویت نیروهای امنیتی افغان نیز گفتگو می‌کنند. در این اواخر حکومت افغانستان فهرست وسایل مورد نیاز نیروهای نظامی افغان را به حکومت هند سپرده است.

حمیدالله توخی در نتیجه حمله انتحاری زخمی شد

کرده بود، شهید شد. اسدالله خالد رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان نیز در دسامبر ۲۰۱۲، هدف حمله فردی قرار گرفت که بمب را در مقعد خود مخفی کرده بود.



چهارونیم عصر به وقت محلی اتفاق افتاده است. تا هنوز مسئولیت این رویداد را فرد و یاهم گروهی به عهده نگرفته است. آقای توخی در جبهات مربوط مجاهدین فعالیت کرده و همچنین از سال ۱۳۷۱ خورشیدی تا فروپاشی گروه طالبان، عضو "دوره مقاومت بر ضد طالبان" بوده است. او همچنین به عنوان والی ولایت‌های زابل و میدان وردک کار کرده است.

انجام حملات انتحاری با استفاده از جاسازی بمب در دستار و نقاط مخفی بدن پیشتر هم اتفاق افتاده و از تاکتیک‌های جنگی مخالفان مسلح دولت افغانستان بوده است.

پیش از این در سپتمبر ۲۰۱۱ استاد برهان‌الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح افغانستان توسط مردی که بمب را در دستارش جاسازی

یک عضو مجلس نمایندگان در نتیجه حمله انتحاری در کابل زخمی شده است. پولیس کابل تایید کرده است که یک حمله کننده انتحاری وارد خانه حمیدالله توخی نماینده ولایت زابل در مجلس نمایندگان افغانستان شده و خود را منفجر کرده است.

جنرال ظاهر فرمانده پولیس ولایت کابل به بی‌بی‌سی گفت که آقای توخی از ناحیه صورت زخمی شده و به همراه دو تن از همراهانش به بیمارستان منتقل شده است. عامل انتحاری مواد انفجاری را در کلاه خود جاسازی کرده بود و پس از بازرسی توسط محافظان حمیدالله توخی، وارد خانه او شده و خود را منفجر کرده است.

حمله انتحاری در خیابان سوم محله بهارستان، از نواحی مسکونی شهر کابل، حوالی ساعت



صعود بی‌سابقه تیم فوتبال افغانستان در رده‌بندی فیفا

آسیا، در بازی‌های مقدماتی جام ملت‌های آسیا که قرار است سال ۲۰۱۵ در کشور استرالیا برگزار شود حضور خواهد یافت.

چلنج کاپ به ابتکار محمد بن همام، رئیس سابق کنفدراسیون فوتبال آسیا در سال ۲۰۰۶ میلادی پایه‌گذاری شد و نخستین دوره آن نیز به میزبانی بنگلادش برگزار شد.

در این مسابقات، ۲۰ تیم درجه دوم آسیا حضور دارند که قهرمان آن، در دوره بعدی جام ملت‌های آسیا، جایگزین تیمی می‌شود که شکست خورده و از جام ملت‌ها حذف شده‌است.

این مسابقات همانند جام ملت‌های آسیا، هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود.

تیم‌های حاضر در مسابقات چلنج کاپ در پنج گروه چهار تیمی گروه‌بندی می‌شوند و به مصاف هم می‌روند.

تیم صدر جدول و تیم‌های دوم گروه‌ها که امتیاز بیشتری دارند، جزء هشت تیمی خواهند بود که به مرحله نهایی مسابقات راه می‌یابند.

بر اساس برنامه فدراسیون فوتبال آسیا، مرحله نهایی مسابقات چلنج کاپ، برای معرفی تیم راه یافته به جام ملت‌های آسیا، یکسال بعد از مسابقات مقدماتی برگزار می‌شود.

افغانستان قهرمان امسال مسابقات جنوب آسیا بود.



تیم ملی فوتبال افغانستان در بازی نهایی مسابقات جنوب آسیا در سپتامبر سال جاری میلادی دو بر صفر، هند را مغلوب کرد و جام قهرمانی هشتمین دور مسابقات جنوب آسیا را به خانه برد.

فدراسیون فوتبال افغانستان در صفحه رسمی خود نوشته است که با سقوط ۱۲ پله‌ی تیم ملی ترکمنستان، افغانستان جایگاه نخست را در میان ۸ تیم شرکت کننده در چلنج کاپ سال ۲۰۱۴ میلادی داراست. این بازی‌ها قرار است در کشور مالدیو برگزار شود.

این فدراسیون تاکید کرده که افغانستان در نظر دارد برای آمادگی بیشتر تیم ملی خود در رویاروی با رقیبان، در سال آینده میلادی بازی‌های دوستانه‌ی را برگزار کند.

بر اساس اعلام این فدراسیون، افغانستان به عنوان مدعی قهرمانی رقابت‌های چلنج کاپ

فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) اعلام کرد که تیم ملی فوتبال افغانستان توانسته با صعود چهار پله‌ای، رتبه ۱۲۹ را در رده بندی جهانی این فدراسیون به دست آورد.

بر اساس اعلام فیفا این ارزیابی بعد از تماشای ۸۲۰ مسابقات فوتبال صورت گرفته و در رده‌بندی جدید تیم ملی فوتبال اسپانیا در صدر و تیم‌های ملی فوتبال آلمان، آرژانتین و کلمبیا به ترتیب مقام‌های دوم تا چهارم را بدست آورده‌اند.

بر اساس اعلام فیفا، افغانستان در کنار تیم‌های ملی امریکا، ونزوئلا، فلپین و گوام صعود بی سابقه را از سال ۱۹۹۳ تاکنون در رده بندی این فدراسیون داشته است.

فدراسیون فوتبال افغانستان نیز اعلام کرده که افغانستان همچنان در صدر تیم‌های فوتبال جنوب آسیا قرار دارد.

نیمار: حضور در کنار مثلث بارسلونا رویایم بود

و آندرس اینیستا علاقه‌ام به بارسلونا بیشتر شده است. همواره رویایی حضور در کنار این سه بازیکن بزرگ را داشته‌ام.

او افزود: در بارسلونا بازیکنان در تمرین و زمین مسابقه رابطه خوبی با هم دارند، حتی در رختکن هم بازیکنان انسجام و یکدلی زیادی دارند. زندگی در کنار مسی، ژاوی و اینیستا یک رویا برای من بود.



انگار در عالم دیگری زندگی می‌کنم. نیمار به ستایش از لیونل مسی پرداخت و ابراز امیدواری کرد که هرچه سریعتر دوران آسیب دیدگی را پشت سرگذارد و به میدان برگردد. او گفت: ناراحت کننده است که مسی را دور از میدان بینیم چرا که او از بازیکنان اصلی بارسلونا است.

به خوبی می‌دانیم که او این توانایی را دارد که نتایج بازی‌ها را یک تنه تغییر دهد. امیدوارم او هرچه سریعتر به میدان بازگردد. می‌خواهم این پیام را به او بدهم و بگویم: «لئو، امیدوارم هر چه سریعتر برگردی و به تیم ما کمک کنی».

بارسلونا در جدول رده‌بندی رقابت‌های لیگا با ۴۰ امتیاز صدرنشین است و در هفته پانزدهم این رقابت‌ها یکشنبه شب در ورزشگاه خانگی اتلتیک بلبائو به میدان می‌رود.

ستاره برزیلی بارسلونا حضور در کنار مسی، ژاوی و اینیستا را یک رویا برای خود دانست. او ابراز امیدواری کرد که مسی هر چه سریعتر به میادین بازگردد.

نیمار یکی از بهترین بازیکنان حال حاضر فوتبال جهان به شمار می‌آید. او در فصل جابجایی تابستانی سرانجام پس از کش و قوس‌های زیاد به بارسلونا پیوست.

این بازیکن برزیلی خیلی سریع در تیم جدید خود جا افتاد و الان در غیاب مسی ستاره تیمش است.

نیمار از حضور در بارسلونا خوشحال است. او بازی در این تیم را آرزوی دیرینه خود می‌داند: «از زمانی که رونالدینیو در بارسلونا بازی می‌کرد سبک بازی این تیم را دوست دارم. الان هم با حضور ستاره‌های چون لیونل مسی، ژاوی هرناندز

Mandegar

هشتمین جشنواره ادبیات معاصر افغانستان در جلال آباد برگزار شد



هارون مجیدی

هشتمین جشنواره ادبیات معاصر افغانستان زیر نام «ادبیات و صلح» با اشتراک ده‌هاتن از نویسندگان، شاعران و پژوهشگران کشور اخیراً از سوی نهاد فرهنگی گویتة انستیتوت در شهر جلال آباد برگزار گردید.

نقش ادبیات در آوردن صلح و رشد فعالیت‌های ادبی شاعران، نویسندگان و پژوهشگران در افغانستان از اهداف اصلی برگزاری این جشنواره خوانده شده است.

گویتة انستیتوت نهادی که هر سال این جشنواره را برگزار می‌کند در اعلامیه گفته است، هدف اصلی برگزاری این جشنواره نه تنها معرفی اهل قلم و نویسندگان کشور، بلکه ایجاد فضا برای خوانش و تبادل ادبی نیز می‌باشد. این انستیتوت هم‌چنان گفته است، این جشنواره فرصت خوبی برای مردم عام خواهد بود تا آثار به نشر رسیده جدید با خبر شده و یا به جمع مخاطبان جشنواره بپیوندند.

حامد کرزی رییس جمهوری اسلامی افغانستان در پیمایی برگزاری این جشنواره را در اوج گیری کارهای ادبی و نهادینه سازی فرهنگ صلح و همزیستی در کشور ارزنده خوانده است.

در بخش علمی این جشنواره برخی شاعران، نویسندگان و پژوهشگران مقالات پژوهشی شان را درباره ادبیات به ویژه نقش آن در آوردن صلح و همزیستی مسالمت آمیز به خوانش گرفتند.

بیشترین این مقالات درباره نقش ادبیات در صلح و نزدیکی مردم باهم بحث شده بود. استاد پرتونادری شاعر و پژوهشگر، در این جشنواره به خوانش مقاله‌یی را در باب «مسأله دادخواهی در ادبیات به ویژه در شاهنامه فردوسی» به خوانش گرفت.

همین گونه نویسنده گان دیگر نیز در این جشنواره به خوانش نوشته‌های خود پرداختند.

با این حال، ابراهیم هوتک مسوول نهاد فرهنگی گویتة انستیتوت آلمان در افغانستان گفت که این هشتمین جشنواره ادبی است که این نهاد در افغانستان برگزار می‌کند.

به گفته هوتک، این بارانان برای رسیده‌گی

به بزرگترین چالش کشور، جشنواره ادبیات معاصر افغانستان را زیر نام «ادبیات و صلح» راه اندازی کرده اند.

این جشنواره که دو روز دوام داشت در روز دوم و پایانی آن نیز شاعران، نویسندگان و خوانش اشعار خود پرداخته و طرح‌ها و پیشنهادات خود را در باب آوردن صلح در کشور بیان داشته، گفتند که ادبیات بهترین ابزاری است برای تبلیغ و ترویج فرهنگ صلح و مدارا در کشور.

شماری از فرهنگیانی که در این جشنواره اشتراک کرده بودند به روزنامه ماندگار گفتند، برگزاری این گونه جشنواره‌ها می‌تواند زمینه تبادل افکار و شناخت شاعران و فرهنگیانی که از نقاط مختلف کشور می‌آیند، گردد.

در کنار این شماری از فرهنگیان دیگر که نخواستند نامی از آن برده شود به ماندگار گفتند، در جشنواره امسال با آن‌ها برخورد سلیقه‌یی صورت گرفته و آن‌ها دوام این روحیه را به سود ادبیات و جامعه فرهنگی نمی‌دانند.

آنان هم‌چنان گفته اند که اگر این نوع برخورد دوام یابد در سال‌های بعدی آن‌ها برگزاری چنین جشنواره‌ها را تحریم خواهند کرد.

جشنواره ادبیات معاصر افغانستان که از چند سال بدینسو از طرف گویتة انستیتوت راه اندازی می‌گردد، به گونه دوره‌یی در ولایت مختلف کشور راه اندازی گردیده است.

این جشنواره که شام پنجشنبه به پایان رسید، در حاشیه‌های آن نمایشگاه کتاب و نقد شعر و داستان معاصر هم راه اندازی گردیده بود و شب اخیر این جشنواره اختصاص یافته بود به شب موسیقی که به استقبال مهمان آمد.

قابل یادآوری است که در سال‌های گذشته این جشنواره در شهرهای کابل، هرات و مزار شریف برگزار گردیده بود.

فرمانده کل نیروهای خارجی به کوزی:

آینده افغانستان را خدشه‌دار نساز!



جنرال جوزف دنفورد فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان به روزنامه‌الستریٹ ژورنال گفته است، تاخیر رییس جمهور کرزی در امضای موافقتنامه امنیتی و دفاعی با ایالات متحده امریکا، اعتماد به آینده افغانستان را خدشه‌دار ساخته و حمایت بین‌المللی را از این کشور با آزمون مواجه ساخته است.

جنرال جوزف دنفورد هشدار داده است که ناکامی رییس‌جمهور کرزی در امضای فوری موافقتنامه همکاری‌های امنیتی و دفاعی با امریکا، می‌تواند اقتصاد افغانستان را ضعیف ساخته، همسایگانش را جسور و به فرو ریختن نیروهای امنیتی افغانستان بی‌انجامد.

جنرال جوزف دنفورد گفته است، عدم اطمینان و عدم اعتماد به اوضاع بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی، بطور عینی بالای مردم تاثیر ناگوار دارد که در ترک وطن نمودن جوانان، تنزیم قیمت املاک و نرخ افغانی احساس می‌توان کرد.

به نوشته‌الستریٹ ژورنال، عدم امضای یک موافقتنامه امنیتی با عراق به خروج کامل نیروهای امریکایی از آن

کشور منجر شد. اما عراق می‌توانست بالای ثروت نفت اش اتکا کرده، نیروهای امنیتی اش تمویل کند؛ اما افغانستان کاملاً به تعهدات بین‌المللی کنفرانس ناتو در شیکاگو وابسته است.

کنفرانس ناتو در شیکاگو تعهد کرد که برای تمویل نیروهای امنیتی ۳۵۲ هزار نفری افغانستان ۴٫۱ میلیارد دالر کمک می‌کند، در حالی که حکومت افغانستان صرف ۵۰۰ میلیون مصارف نیروهای پولیس و اردوی ملی آن کشور را تمویل خواهد کرد.

جنرال جوزف دنفورد گفته است: «در حال حاضر من نمی‌بینم که بدون تعهدات اتخاذ شده در شیکاگو، افغانستان بتواند نیروهای امنیتی اش را خود حفظ و تمویل کند.»

فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان گفته است: «همه ما باید به پارلمان‌های خود، در امریکا باید به کانگرس مراجعه کرده، تقاضای منابع مالی را برای ماموریت در افغانستان کنیم.»

به گفته جنرال جوزف دنفورد، باید دقیقاً توضیح داده شود که این منابع برای کدام برنامه‌های مشخص لازم است و خیلی مهم است تا برای حصول منابع، اطمینان در مورد شرایط بعد از سال ۲۰۱۴ وجود داشته باشد.

جنرال جوزف دنفورد می‌گوید، عدم اطمینان در مورد شرایط بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی بر همه بازیگران منطقوی در اطراف افغانستان نیز تاثیر کرده است. اگر محاسبه آنها آماده‌گی برای حفظ منافع شدن در یک افغانستان بی‌ثبات بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی بوده باشد، به تصور من اگر ببینند که دورنمایی افغانستان با ثبات و مصون است، این محاسبه تغییر خواهد کرد.

دو زن در لوگر برهنه حلق آویز شدند

آقای درویش می‌گوید که هویت این دو زن و انگیزه مرگشان هنوز مشخص نشده است. سخنگوی والی لوگر گفت که این دو زن برهنه حلق آویز شده بودند و تیم تحقیقاتی مقام‌های محلی تحقیقات در این مورد را آغاز کرده اند.

به گفته وی، اکنون اجساد در شفاخانه نگهداری می‌شود و هیچ آثاری از لث و کوب و شکنجه روی بدن آنها دیده نمی‌شود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به تازگی از افزایش ۲۵ درصدی خشونت علیه زنان در شش ماه اول امسال نسبت به زمان مشابه سال گذشته خبر داده بود.

این کمیسیون به مناسبت ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، در گزارشی اعلام کرد که در نیمه نخست امسال، ۴۱۵۴ مورد خشونت علیه زنان در سراسر این کشور ثبت شده است.

قتل، خودسوزی و خودکشی ناشی از خشونت، ضرب و شتم و ازدواج اجباری از موارد عمده خشونت با زنان افغان بوده که در این گزارش ثبت شده است.



مقامات محلی لوگر از پیدا شدن جسد دو زن در این ولایت خبر دادند.

دین محمد درویش سخنگوی والی لوگر به بی‌بی‌سی گفت که ششم قوس روز پنجشنبه، جسد دو زن در حالی که به یک درخت حلق آویز شده بودند، در ولسوالی بره‌کی برک این ولایت پیدا شده است.

او می‌گوید که یکی از این زنان بیش از چهل سال و دیگری حدود بیست سال داشت.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار
نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰